

BP
١٠٢
لو ٣ ن /
ن ١٠
خاص

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً يضيء القلب

ويزكّي الخلق ويهدي السبل

والسلام على من اتبع الهدى

كتاب الفقه في الفقه

مجلد	۵
فصل	۱
باب	۱
موضوع	۱
موضوع	۱
موضوع	۱

والمسلمون

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

والسلام

تاریخ	۱۳۰۴
محل	۱۳۰۴
محل	۱۳۰۴

والسلام

والسلام

هو الحمد

اصدية هذه النسخة الى هذا خلاص في الحقيقه غرا الشيعه و عماد الشيعه
المنزه من كل شين الحاج ميرزا عبد الحسين صاحب الكلاري حرمه آية الله
وانا الاحقر لا اقدر لك بسم من يحمل النجفي الجليلي في سنة ١٢٦٦

قال الله تعالى ﴿

قد يتنا لكم الايات ان كنتم تعقلون﴾

هو

رسالة شريفة

(بيان الايات) در علم (زبر و بينات)

از تصنيفات عارف معارف دينيه و واقف مواقف يقينيه

(عماد الاسلام)

والمسلمين مروج الاحكام والدين العالم الكامل الصمداني

جناب الحاج شيخ يوسف النجفي الجليلي

لازال كواكب افاضاته مضيئه

وانوار فيوضاته منيره

کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی

شماره ثبت: ۳۴۱-۸۰۳۰

(سورة المومن)

(ولقد جائكم يوسف من قبل بالبينات فما زلتم في شك مما جائكم به)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاس و ستایش بر رب الارباب و منزل صد صحیفه و چهار کتاب و مفضل
بتفضیل و لقد فضلنا و مکرم بتکرم و لقد کرمنا ینکه انسانرا بشرف
جستجویی لای متلای آیات محکمت و غوامض در بحار درر و غرر
احکام زبر و بینات بر سایر مخلوقات مزیتی داده و بسبب سوابق عنایات
ازلیه و مراحم فیوضات ابدیه بر لطائف جلّیه و رموز خفیه از جزئیات
و کلیات واقف و باقصی درجات السعادات و اصل فرموده

(ای بر تو وجود تو ذرات کائنات هر ذره بر وجود تو آیات و بینات)
وصلوات و سلام تامات بایرکات بر اکمل و افضل موجودات بعدد ملفوظی
و مکتوبی همه حروف و کلمات و برآل و اصحاب او بتطابق بینات زبر
و زبر به بینات و لعائن کائنات بر اعداد آن سادات الی یوم العرصات
(و بعد) عرضه دارد عبد عارفان معارف سبحانیه و نند سالکان مسالک
ربانیه الاحقر الجانی و الاقر الفانی (یوسف) ابن محمد بن یوسف
التجفی الجیلانی که نظر بفرمایش (کل سر جاوز الاثنین شاع)
تشاید رموز اسرار از دو لب کهربار پدیدار نمود ولی بمفاد (کل
علم لیس فی القرطاس شاع) شاید و باید که در صفحه روزگار صفحه
از اسرار بیان و اشکار نمود اگرچه بعضی از علوم تدوینی نیست بلکه
نوریست که نمی باید آنرا مکر هر که را که حق خواهد چنانچه فرماید
(العلم نور یقذه الله فی قلب من یشاء) چنانچه بعضی از علوم کسبی است

که باید بمقتضای آیه شریفه (والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا)
که در سورة عنکبوت است بمجاهدات حقایقه و ریاضات شرعیه از برای
اهلش حاصل شود و من المعلوم که انحاء علوم در قرآن مجید و فرقان
حمید مندرج بلکه در هر حرف آن مندمج است کما فی الحدیث
(لكل حرف من حروف القرآن حد و لكل حد مطلع) و در مجمع است
که (ما من حرف من حروف القرآن الا وله سبعون الف معنى)
بدیهی است که اسرار اطوار کلمات الهیه و علوم مطلقه مقتبسه قرانیه
بصورت نقطه واحد و الف متحده در عالم انبساط جاری و ساری و در
میان عالم یهن و ظاهر و باهر است که چندین هزار رشته دارد و هر عالمی
یک صفة و یک رک و یک طریق او را دیده و فهمیده و میداند و عبارات
مختلفه و بالسنه غیر مؤلفه و برموز و اسرار و زبر و بینات و بتصریحات
و تلویحات و اشارات و کنایات و استعارات و تشبیهات بیان انها را نموده اند
ولی هر کسی حامل انوار اسرار نیست و هر نفسی تحمل بار گرانبهای
رموز و دقیق و تبیان حقایق کلمات درر مشحون را ندارد و محسوس است
که کلام الله صامت جمیع علوم بحقایق اشیاء محسوسها و معقولها جایها
و خفیهها صغیرها و کبیرها را داراست و اشاره قرآنی و کنایه قرآنی
(ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین) مدعی را ناطق است
پس علم شریف زبر و بینات در جمله از آیات بر سبیل اشاره دارد
و این اقل الانام الملقب بمصاد الاسلام از برای علماء خواص علی
سبیل الاختصاص اشاره میدارد چنانچه باب مدینه العلم در جواب آن
زندیق مردود که قدح در قرآن و طعن در فرقان مینمود چنین فرمود
(ان الله جل ذکره بسمة رحمة و رأفة یخلقه قسم کلامه ثلاثة

اقسام فجعل قسما منه يعرفه العالم والجاهل وقسما لا يعرفه الا من صفا ذهنه ولطف حسه وصح تميزه ممن شرح الله صدره للاسلام وقسما لا يعرفه الا الله وامثاله الراسخون في العلم لئلا يدعى اهل الباطل من علم الكتاب مالم يجعل الله لهم (وامام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق عليه وعلى آباءه وابنائهم السلام نیز فرماید که (لقران) له اربع مراتب (يا انكس) كتاب الله على اربعة اشياء العبارة والاشارة واللفظ والحقايق فالعبارة الظاهرة للعوام والاشارة للخاص من العلماء واللفظ للاولياء والحقايق للانبياء) که شاید مزید در تفکر و تاکید در تبصر گردد پس تبیان مبین وقانون متین متضمن فواید زاهره و منقسم باقسام عذیده متکثره و مراتب شتای متظافره و مطالب پسندیده و افراست و مردم عالم علی اختلافهم فی العزائم والنیات و تبیانهم فی الجواهر والهویات از کتاب کریم و ذکر حکیم بهره ها بر میدارند و سودها می اندوزند عارفین بالله از مشاهدات صور اصلیه و حقايق اولیه آن متمتع میشوند متفقهین فی الدین از اشعه آیات احکام اقتباس شرعة اسلام میفرمایند و مؤمنین بالغیب از تلاوت آن آناء اللیل و اطراف النهار بر خوردار میشوند کل علی حسب ما یتوبه و یشتهیه از این مائده الهیه روزی خود میخورند و از این فیض نامتناهی قسمت خود میبرند و هکذا راسخین فی العلم از مکاشفاته نشاء تفهیم و تاویلش مبتهج گشته کشف بسی رموز و بیان مرموز مینمایند نادان را گمان آنستکه نکات بعد الوقوع است و بر دانایان مخفی نیست که بر اهل کشف قبل از استکشاف مکشوف و بر جاهلین مخفی و ملفوف بوده چنانچه بر کوردلان پوشیده و مستور بوده و خواهد بود قوله تعالی در سورة بقره

(و آتینا عیسی بن مریم البینات و ایدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذین من بعدهم من بعد ما جائتهم البینات و لم یکن اختلافوا فممنهم من آمن ومنهم من کفر ولو شاء الله ما اقتتلوا و لكن الله یفعل ما یرید) پس از توفیق ذوالعن و العطاء در اظهار اسرار و کشف این عطیاء خصم را انکار محال و ممکن را کتمان عدم مجلست (بقره) (ان الذین یسکتون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون) و هرگاه شبهه و شبیهی یا شک و ریبی بر کم بهره کان علوم رود رجوع بسالکان طریق معلوم و صاحبان معرفه و کاملان در علوم نمایند (نحل) (وما ارسلنا من قبلك الا رجلا نوحی الیهم فسلوا اهل الذکر ان کتیم لا تعلمون بالبینات والزبر و انزلنا الیک الذکر لیسین للناس ما نزل الیهم و لهم یتفکرون) اگر چه معرفه قرآن بلند تر از آنستکه تصریح مطالب آن بمیزان وهم و قیاس توان سنجید و تشریح معانی آن بر تر از آنستکه در معیار بیان توان گنجید ولی بقاعده (ما لا یدرک کله لا یتدرک کله) چون دانه از انبار و مشتی نمونه از خروار بحیث تحریر در آورده و مسمی نمودم انرا (بیان الایات) در شناختن زبر و بینات و مامول چنانستکه در نظر دانشوران موقعی عظیم و مقامی کریم بهمرساند که در نظر ارباب عرض الذین فی قلوبهم مرض

(سعدی)

(منه کوش در قول صاحب غرض که از کینه در سینه دارد مرض)
وازعارمان معارف دینیه وواقفان موافق یقینیه رجا دارم که اگر
خللی یازللی بظهور آید بقلم اصلاح اغماض فرمایند وهو العاصم فی الخطاء
والزلل فی القول والعمل

(من خجلهم از عمل خام خویش تو بملاحت نکنم سینه ریش)
(در روش زمره آزاده گان نیست روا طمن بر افتاده گان)
وآن مشتملات بر مقدمه و چهارده مقام و خاتمه مقدمه در اوسه مقصداست
(مقصد اول)

در تفسیر ولله و موضوع و تعریف و فائده زبر و یقینات است (۱) قوله تعالی
فی سورة البقره (و آتینا عیسی بن مریم البینات) (الخ) (البینات)
المعجزات الواضحات کاحیاء الموتی و ابراء الاکمه و الاخبار بالمفیتات
(۲) قوله تعالی فی سورة البقره (ولقد جائکم موسی بالبینات)
ای المعجزات کالمصاء و الید و فلق البحر (۳) قوله تعالی فی البقره
(ولقد انزلنا الیک آیات یتذات و ما یکفر بها الا الفاسقون)
(یتذات) ای معجزات ظاهرات و اضحات (۴) البقره قوله تعالی
(فان زلتم من بعد ما جائتکم الیتات فاعلموا ان الله عزیز حکیم)
(الیتات) ای الحجج و المعجزات (۵) قوله تعالی در سورة آل عمران
(فان کذبوک فقد کذب رسل من قبلک جاؤا بالیتات)
و الزبر و الکتاب المنیر (۶) قوله تعالی در سورة فاطر
وان یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جائتکم رسالهم بالیتات

و بالزبر و بالکتاب المنیر (یتذات) ای معجزات باهرات (۷)
در سورة آل عمران در جزو رابع از رکوع عاشر چنانچه صاحب
تفسیر صافی بعبارت وافی فرماید که (الیتات) ای المعجزات (و الزبر)
الحکم و المواعظ (۸) در سورة مؤمنون در جزو ثامن عشر از
رکوع رابع که (زبر) ای قطعاً جمع زبور الذی بمعنی الفرقه
(۹) در جای دیگر (الیته) ای حجة ظاهرة واضحة مثل الید
البیضاء (و الزبر) بضم تین جمع زبور بالفتح بمعنی الکتاب (۱۰)
موضع دیگر (الیتات) جمع یقنه بمعنی الحجج (و در اصطلاح)
چنانچه در کتاب غصن البان بیان فرماید آنستکه (الزبر و الیتات) هما
قاعدتان توأمان لایعرف و اضمهما (موضوع) این علم اعداد حروف
و حکمات است کاه از زبر و کاه از یقینات (تعریف) آن علمی است
بقواعد معلومه اعدادیه در استنباط اسرار مکنونه قرائیه (فائده) آن
کشف برخی معلومات از مجهولات و اکهی در بعضی از اسرار مخفیات
(مقصد دوم)

در قاعده باهره ساطعه زبر و قانون باهره فاطمه یقینات است و آن چنانچه
در مقام الفضل آورده آنستکه هر یک از حروف تهجی مرکبند
بعضی از دو حرف مثل (با) و (تا) و بعضی از سه مثل (صاد)
و (سین) و حروف اول انا را در اصطلاح زبر مینامند و تنه را
یقینات مثل (با) زبرش (ب) است که بحساب جمل دواست
و یقیناتش (۱) که بحساب جمل یکی است (انتهى) پس روشن
گردید که زبر تطبیق مکتوبی حروف است بحروف در اعداد یعنی
زبر عبارتست از کلمه مساوی مرکب دیگر یا جمله مر جمله دیگر را

د حساب جبل (مثل در کلمه) چون تعابو لفظ (کاکل) با
 (کزدم) و (مو) با (جلیبا) و (کل) با (می) و (صها) با
 (پیاله می) و (ود) با (حب) و (مودت) با (محبت) و
 (محبوب) با (ناز) و (عرق حبیب) با (شبنم) و (معشوقه) با
 (محب عاشق) و (عاشق) با (کسان) چنانچه آزاد گوید
 (لاغرو ان قمر بالجزع اضانا الا ترى عشقا قد عد کسانا)
 و (یوسف) با (حسن ازل) و (سعاد) با (العدل) چنانچه آزاد نیز گوید
 (اسماذ کیف تعاملین بحفوة والعدل انت محاسبی لله)
 و (حجر) با (درد) و (غم) با (تلخی) و (فرحان) با
 (دلشاد) و (دیوانگی) با (اسوده گی) و (زمزم) با
 (آب زنده گی) و (عبد) با (گناه) و (عقی) با (عاصی)
 و (توبه) با (پشیمانی) و (زبان) با (دهان) و (غلم) با (عمل)
 و (لعل) با (نگین) و (آدم) با (پاکیزه) و (خواب)
 با (راحت) و (مال) با (امل) و (محتاج) با (بی دولت)
 و (درویشی) با (نیستی) و (پیر) با (بی عقل) و (کریم)
 با (نیک نفس) و (بد نفس) با (ملعون) و (والد) با
 (ام) و (طهماسب) با (جهان پناه) و (ملا) با (سواد)
 و [صلح] با [تراغ] و [صباح] با [صا] و (سماعی) با (قیاسی)
 و (حساب) با (سهو) و (قلعه) با (برج) و (وعدس) با
 [باقلا] و (نخود) با (کشمش) و (عقرب) با [کاشان]
 و (کوفه) با [گیلان] و [انزلی] با [جهنم]
 و (نجف الاشرف) با (جنت سرا) و (یزد) با [زوجه]

و (ساوه) با [پیس] و (دار القرار) با [کورستان]
 و [هندی] با (سبز) و (اصفهانی) با (زیرک) و (ارمنی)
 با (کافر) و (عیار) با (بی سر و پا) و (انسان) با (انعام)
 و (الله) با (محیط) و (وجود) با [واحد] و (رسول)
 با (رهنما) و (ابو القاسم) با (ملک یوم الدین) و (محمد) با
 (امان) و (حب محمد) با (ایمان) و چون (ماه) با (ولی)
 (نبی چون آفتاب آمد ولی ماه مقابل گردد اندر لی مع الله)
 و چون (امام) با (اعجاز) و (علی) با (بحق) و [الاملح]
 با (علی) و در فارسی (علی) با (نمک) و (قائم) با (صاحب ما)
 (واما) الفاظ رکیکه که طباع از او مشتق و نفوس از وی منزجر
 باشند بسیار است و در جش در کتب ناگوار است چون [موسائی] با
 (بد اصل) و (روستائی) با (قباحه ناهم) و (ساوجر) با
 (سلک) و (همدانی) با (مکس) و (بانی) با (دزد) و (قرلباش)
 با (تاجلو) و (المیسر) با (قمار) و (بز) با (جو) و
 (کچل) با (حیل) و (نانوا) با (جهنمی) و (بی ادب) با
 (یابو) و (ان زیاد) با (زنازاده) و (یزید) با (بیحیا) و
 (طاحه) با (کب) و (گیلک) با (سلک) و امثاله واجود ترک
 ذکر آنهاست (مثل در جمله) (چون تطابق لفظ) (اول من این) با
 لفظ (علی بن ابی طالب) و چون (قایب مناب نبی) با (علی بن ابی طالب)
 و چون (عین ایمان) با (وجه علی ابن ابی طالب) و این تطابق را
 تطابق زیر بزیر نامند (و اما یقینات) چنانچه در کتاب حصن البان
 فرماید آنستکه یقینات تطبیق ما اولی اسماء حروف است با حذف حرف

اول مر تمام عدد اسم دیگر را باین معنی که بقره مساوی مر تمام عدد لفظ دیگر باشد و این تطابق نیز اعم است از آنکه در يك لفظ باشد یا زیاده (مثال در کلمه) چون تطابق یقنه (محمد) با (اسلام) زیرا که یقنه (محمد) (۱۳۲) و اسلام (۱۳۲) است و از این است که عرفاء لفظ (الاسلام) را (با علة موجوده) هموزن دانسته اند (رمزست کتاب حق تمامی بنظام اسرار الهی است بهر بطن کلام) (از اسم محمد که بود مصدر کل دریاب ز یقنات نامش اسلام) و چون تطابق یقنه (علی) با (ایمان)

(توصیف علی ننگجود اندر اذهان بیرون بود از فهم معانی و بیان) (ایمان بولایتش معلّق باشد دریاب ز یقنات نامش ایمان) (بیان ذلك) آنکه ملفوظی علی (عین) (لام) (یا) میباشد چون حروف اوایل که مجموع علی است حذف شود باقی ماند (بن) (ام) (۱) عدد مجموع (۱۰۲) و عدد ایمان نیز (۱۰۲) است صاحب روضات الجنات آورده که این رباعی از ملا جلال دوانی است

(خورشید کمال است نبی ماه ولی اسلام محمد است ایمان علی) (گر بیند در این سخن میطلبی بنگر که زینات اسم است جلی) و چون تطابق بیند لفظ (مکه) با (مانا) چنانچه آزاد فرماید (لم لا الود بسوح مكة اتنی بالیقنات وجدت مكة مامننا) و چون تطابق (مدینه) با (بلد حکمه) (مثال در جمله) چون لفظ (حب علی بن ابی طالب) با لفظ (دین الاسلام) و چنانچه شیخ بهائی نورالله بهجت در اول کتاب جامع عباسی استخراج نماید که یقنه (خلدالله ملکه) لفظ (شاه عباس) است زیرا که شاه عباس در عدد

(۴۳۹) و یقنه خلدالله ملکه نیز (۴۳۹) میباشد و چنانچه صاحب کتاب مضیی الاعیان نیز بنام شاه عباس گوید که (شاه عباس) (نایب امام محمد بن الحسن) زیرا که زیر لفظ شاه عباس چنانچه گذشت (۴۳۹) و زیر لفظ نایب امام محمد بن الحسن نیز (۴۳۹) است (فائده) دیگر آنکه یقنات (شاه عباس) (۴۰۲) است و آن مطابق است مر زیر لفظ (نایب امام همام محمد مهدی هادی) مجموع زیر و یقنه میشود (۸۰۴) و آن مطابق است مر لفظ (نایب الامام محمد بن الحسن المهدی الهادی صاحب الزمان) و اما تطابق یقنه به زیر چون تطابق یقنه (ملح) با (محمد) (چون علی نفس محمد بود از علی ملح خوش محمد شده بر اهل بصر جلوه کنان) (و اما يك حرف) که در یقنه مطابق شیئی و در زیر و یقنه موافق مر شیئی آخر باشد چون [الف] که در یقنه ملاصق با (لا اله الا هو) و در زیر و یقنه معاق با (کاهی) است و از این قاعده است که اهل حروف چون غزالی و محی الدین اعرابی و غیرهما (الف) را (قطب الحروف) نامند زیرا که زیر ملفوظی الف لفظ (قطب) است و ائمه به علاوه آنکه دلالة بر علم لدنی حقیقی ربانی دارد و بحساب یقنه مطابق با (لا اله الا هو) است موافق با لفظ (علی) هم هست و باید دانست که الف در تمام حروف تهجی در کار است و مقوم هر حرف است و بمنزلة ماده آن حرف است یا بی واسطه مثل (با تا تا) یا بواسطه مثل [جیم و سین] چون قوام آنها بریاست و قوام یا به الف و باین سبب آنرا قطب حروف گویند و آن حرف شریف را حرف ذات اقدس دانند و یقنه آن که مظهر اسمیت آنست مطابق اسم مبارک علی است بلکه زیر آن که همزه ملفوظه است نیز مطابق اسم مبارک است

وهمزة ملفوظه همان الف است که مسمی هر حرفی عین آن در اول یا وسط یا آخر آن حرف واقع میشود و الف مصدر بهمزه است پس همزه الف است و عدد آن نیز [۱۱۰] است ها (۶) میم (۹۰) زا (۸) ها (۶) مجموع [۱۱۰] علی (۱۱۰) و لهذا قبل (از بین الف علی را بطلب) پس ظاهر الف علی باطن الف علی و الف مقوم حروف و حروف مقوم کلمات و کلمات مقوم آیات و آیات مقوم سور و سور مقوم کتاب تدوینی و هكذا الامر فی الكتاب التکوینی بالحدث العصاب والنظر الثاقب و قل العارف

(الف الحروف هو الحروف جمعها و الفاء دائرة علیه تطوف) پس میتوان بود که صدور هر حرفی از الف باشد که یکی است و همین شهادت وجود بموجود و وحدانیه رب معبود است چه که الف يك ومحیط بتمام حروف را و بتمام اشیاء محیط است

(فی کل حرف له آیه تدل علی انه واحد) از اینست که گویند (من عرف ظاهر الالف و باطنه وصل الی درجه الصديقین و مرتبة المقربين) و حدیث شریف مروی از سر الله الاعظم که فرمود (الالف واحدة لا یعلمها الا الراسخون) که جزء ثانی (العلم نقطة کثرها الجاهلون) است اشاره بدان است یعنی که الف یکی است و برمز او آگهی ندارد کسی مگر راسخون در علم یعنی اهل کشف (دل گفت مرا علم لدنی هوس است تعلیم کن اگر ترا دست رس است) (گفتم که الف گفت دیگر گفتم هیچ در خانه اگر کس است یک حرف پس است) (مقصد سیم)

باید دانست که تطبیق بدین فن مخصوص یچهار قسم است و آن چنانست که

تطبیق (کاه) زبر بزبر است و (کاه) یثنه به یثنه و (کاه) زبر به یثنه و (کاه) یثنه بزبر ولی بعضی از ارکان چون صاحب مضیئ الاعیان و غیر از او از اعیان شش صورت دیگر جهة توسعه در این فن بدو افزوده اند و آن تطبیق جمع (دو) زبر است بزبر و (دو) زبر است به یثنه و (دو) یثنه به یثنه و (دو) یثنه بزبر و (یثنه) یثنه به یثنه و (یثنه) یثنه بزبر و جای آنست که دو صورت دیگر چنانچه شاید و باید بدین قاعده لامعه مزید گردد و آن تطبیق (زبر) و یثنه است بزبر و (زبر) و یثنه است به یثنه پس مجموع دوازده صورت نمودار گردید ولی عمده تطبیق که لولا دلیل لکان دلیلا اعتبارا بر هاتا اقتنا عینا چنانچه معتبر دانسته اند و از جمله اجوبة اسکاتیه شمرده اند صور چهارگانه اولیه است (حکایت) صاحب کتاب غصن البان آورده که سلطان شهاب الدین ملک هند که در سنه (۱۰۷۶) وفات نموده ملقب بشاه جهان بوده یعنی شاه عالم پادشاه روم باو اعتراض کرد که تو هندوستان را سلطانی چگونه ملقب بشاه جهانی در جواب حیران ماند پس ملک الشعراء عصر ابو طالب المتخلص به کلیم در مقام جواب بر آمده فرمود که جهان و هند مساویند در عدد زیرا که جهان (۵۹) و هند نیز (۵۹) است و بقانون حساب زبر او را مجاب نمود (دیدم) بزرگی از ارکان عامه اهل بغداد که چندان رایگان با خاصه اهل سداد نبود در رحله خود چنین نوشته بود که روافض تمسک بقاعده زبر و یثنات نموده و بتطبیقات اختیاری در مقام مدح موالی خود برآیند و اثبات کرامات برای ایشان نمایند و هر که را دشمن دارند بتطبیقات دیگر که در مقام هجو است ذم نمایند و آن را قاعده نام نهند و ممکن است که عکس شود یعنی مبغض

آل محمد را با تطبیقات جتیده و محب محمد و آل او را با تطبیقات ردیه مطابق نمایند (عرض نمایم) اگرچه در کلمات پست فطرتان از مخاوق چنین است ولی در سلام خالق بیچون که مشعر بر معجزه است چنان است معلوم است که قائل غافل از زیر معجزات قرآنی و بیانات یقینات فرقانیه بوده که این عیب وارد آورده

(و کم من عائب قولا صحیحا واقعه من الله من اسقیم) زیرا که تمام کلمات و آیات جتیده و رحمة کلام الله با ملاحظه تفاسیر مطابق اسامی و القاب آل الله و همگی کلمات غضب و عذاب کتاب مطابق با اسماء و القاب اعداء الله میباشد چنانچه خواهد آمد (گواه عاشق صادق در آئین باشد) پس محاکمه ما و خصم مرجوع بمحکمه عدلیه قرآن مجید و محول بادره حقانیه فرقان حمید است که مشتمل بر نکات غریبه و اسرار خفیه و محتوی تفاسیل عجیبه مرموزة الهیه است

(عبت مداح تو احمد خاتم پیغمبران دفتر مدح تو قرآن است یا مولی علی) قوله تعالى فی سورة العنکبوت (بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم وما یجد بآیاتنا الا الظالمون) بلکه خداوند عزشاه در حق جاحدین و منکرین آیات قرآنی در همین سوره نیز فرماید (وما یجد بآیاتنا الا الکافرون) هر شقاوت دریای معرفته و دلیل که خود را در سطح سلسیل شنا گردید فهمید که اهل علم و فهم را در ادراک مقاصد و فهم مطالب عالیه ربانیه و استنباط معانی از قوالب الفاظ مبارکه قرآنی و استخراج لای ثمینیه از بحار اخبار نبویه و ولویه مذاهب و مشارب متخالفه متباینه است بعضی میزان عقل ناقص خود را نصب کرده و رای

کلیل و هوای نفس غلیل خود را اسطرلاب معرفه مبدء و معاد قرآن داده آیات فرقانیه و کلمات صادره از خزائن حکمت و اوعیه علم و معرفه را بمیزان عقل خود سنجیده و از ثقبه لبنة اسطرلاب رای کاسد و هوای فاسد خود بعین عورا نظر بانوار کواکب مشرقه در آسمان علم و عرفان انداخته هر چه بان میزان موزون و بان نظر مقرون افتاده همان را اعتقاد و اعتماد کرده مثل اکثر معتزلة متعزلة و متفلسفة متحکمة و متصوفة متشحطة حتی انتهى امرهم الی تغییر جمیع الظواهر فی الخطابات الواردة فی الكتاب و السنه و تاویلها الی غیر معاینه الحقیقه مما یتعلق باحوال الاولی و الآخره و مناظرات اهل النار و الجنة و هؤلاء المتبرفون المتحکمون المتصوفون کانهم لم یعلموا ان فهم رموز القرآن و اسرار و الغور فی اغواره و اطواره مما لا یمکن بالفکر و النظر و لابد فی من متابعه اهل بیت النبوة و الاقتباس من مشکوة الولاية و الاقتفاء لانا الواقفین علی اسرار الشریعة و لم یسمعوا قول الله عز وجل ولا یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم و قول ابی عبدالله علیه السلام و نحن الراسخون فی العلم و نحن نعلم تاویله و عن ابی بصیر قال سمعت ابا جعفر علیه السلام فی هذه الایة (بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم) فاومی بیده الی صدره و حدیث نبوی من فسر القرآن برأیه فلیتنبؤ مقعده من النار و من فسر القرآن برأیه ان اصاب لم یوجر و ان اخطاء فهو ابعد من السماء معروف و مشهور است و بعضی دیگر مثل اشاعره و من حذا حذوهم نور عقل را خاموش ساخته و جوهر عقل را کساد انداخته از تدبر و تفکر و فهم و حکمت محروم مانده صرفا سد باب تاویل کرده در جمیع مقامات جمود بر ظواهر را لازم شمرده اند مگر در مثل الرحمن علی العرش استوی

والحجر الاسود يمين الله في الارض وبرخی دیگر سد باب تاویل
در ما یتعلق باحوال الاخره والمعاد کرده و در باب نشأه اولی ومبدء
الفاظ و اراده را تاویل کرده و نزاع فرقه ناجیه از اعلام علماء اخباریین
با فحول از مجتهدین اصولیین شکر الله مساعدیم در باب اخذ بطواهرات
و احتیاج باخبار معصومیه معروف است و در کتب اصول مسطور است
و رجوع بکتاب شریف قوانین الاصول برای اطلاع بر آن کافی است
والحق فی هذا الباب ما ذهب اليه اوو الالباب و از اقتصاد و اعتدال
و انصاف و عدل در حق نور عقل و رسول باطنی و عدول از جور و اعتساف
در باره حکم شرع و رسول ظاهری نه برودت و جمود اشاعره و حنبله
و کرامیه و اکثر محققین و نقویین ظاهریین در ابقاء الفاظ و عبارات بر
مدالیل اولیه و مفاهیم ظاهره هر چند منافی و منافی قوانین عقلیه
و حکم عقل باشد و نه حرارت و تندی و تمدی و تخطی من حکمه و متعرفه
و منصوفه در تاویلات بعیده و توجیهات رکبکه و خروج از طور و طرز
لفظ و کلام و ارتکاب تمسفات و تکلفات در ترویج اراء کاسده و اهواء
و فلولیات باطله و خیالات واهی خود هر چند منافی با قوانین شرع
و موازین عدل الهی باشد با اینکه ظنون و مجازفات اساس و بنیان مضبوط
ندارد و غالباً من باب تقلید و سماع است و باین جهة تخالف و تنافس و تنافی
و تعارض در مطالب و مقاصدشان بهم میرسد کما دخلت امة لعنت اختها
یس باید پاس حرمة و احترام شرع مقدس و عقل مجرد را بدارند
و تعظیم و تکریم و تقدیس و تسبیح و تحمید و تمجید حضرت حق
و شؤنات و اسماء و صفات حق و حضرات انبیاء و اولیاء و وسائط و روابط
خلق با خالق و وسائل فیض و رحمة حضرت باری بر کافه موجودات را

نصب عین و منظور نظر سازند و ساحت کبریاء احدیت را از قنایض
امکان و معائب حدثن و مثالب اکوان منزّه و مقدس دانند و سلسله جلیله
انبیاء و اولیاء را از خطوط بشریه و لوازم طبیعیه اجل و ارفع پندارند
فانهم عنها مبدءون و عما یجوز لکم مترهون و ملاحظه و مراعات ظواهر
الفاظ و عبارات و قواعد استعارات و مجازات و مزایا و خواص کلمات
و مجزات و آیات نازلات بر خود لازم و متحتم شمارند و باین تحقیق
دستور اعظم و میزان اتم در فهم و ادراک مطالب عالیه و مقاصد عالیه
بدست آورند و جمع بین ظاهر و باطن و تفسیر و تاویل و تنمیع و تکمیل
تقریل نمایند و از راه ظاهر عبور نمایند بسوی باطن و سر واز قشر
بگذرند بسوی لب و روح و این مرتبه و درجه بقوه نظر و فکر بدون
ذوق سلیم و فهم قوی و صفاء طینت و طهاره فطره و مراجعت باهل بیت
نبوت و متابعت معانی و تنزیل میسر نیست (مادام) که انسان در چاه
طبیعت محسوس و با دیدن عالم محسوس مالوف و مانوس است و از عالم
نور و نشاء عقل محروم و محجوب است از معرفه الهیه که مندمج است
در معرفه محمدیه بحقیقه نورانیه که (معرفتی بالنورانیه معرفه الله)
فرموده است بی بهره و بی نصیب است و چشم بصیرت از مشاهدت ملکوت
و حقایق اشیاء بسته است و او نمی بیند مگر قوالب محسوسه و حیال ظاهره
چون ندارد مگر باصره جلیدیه

(لله قر صدر الحکماء فی قوله فی القرآن المجید)

نحن و امثالنا لانشاهد من القرآن الا سواد الحروف لكوننا فی عالم الظلمة
والسواد فان المدرك والمدرك دائما من جنس فالبصر لا يدرك الا الالوان
والحس لا يتال الا المحسوس والخیال لا يتصور الا المتخیلات والمقل لا يعرف

الا المعقولات وكذلك النور لا يدرك لاحد الا بالنور ومن لم يجعل الله
له نورا فماله من نور ونحن بسواد هذا العین لان شاهد الا سواد القرآن
فاذا خرجنا من هذا السواد والوجود المجازی والقربة الظالم اهلها
مهاجرا الى الله ورسوله وادركنا الموت عن هذه النشأة الصورية الحديثة
والخيالية والوهمية ما راينا بعد ذلك من القرآن سواد اصلا الا البياض الصرف
والنور المحض وهذا القران انزل من الرحمن الى الخلق بالاف حجاب
وتكسى بكسوة الالفاظ ولغات الانسان لاجل تفهيم ضعفاء العقول خفافيش
الابصار وتاييدهم به كما تكسى نور الشمس بكسوة الظلمة لانتفاع الخفافيش
وتلبس بلباس البهيمه لانتفاع الارمد ولو جعلناه ملكا لجعلناه رجلا وهذا
غاية الرحمة من الله وشفقته على خلقه والا فما للتراب ورب الارباب ولو
نزل هذا القرآن على ما كان من العظمة والشان الى العرش لذاب العرش
واضمحل ولو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا
من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون (صاحب
مشارق انوار اليقين آورده) روى ابن عباس في قوله تعالى وكل شيئي
فصلناه تفصيلا (قال معناه) شرحناه شرحا يتنا بحساب الجمل فهم من
فهم وهذا هو المسم الذي استره الله الى نيته ليلة المعراج وجعله عند
امير المؤمنين ع ثم في عقبه الى آخر الدهر وهي (٨) كلمات و (٢٨)
حرفا وكل حرف منها يتضمن اسم محمد وعلى ظاهرا وباطنا بخرجه من
له وقوف على اسرار علم الحروف واعدادها (چنانچه شنیدم) دیگری
از ابناء سنه طمن ودق بر شیعیان زده که ایمان و اسلام اعاجم بسبب
زیر و بیانات است (اگرچه چنین لیست) و بر فرض بودنش همین حدیث
متفق حاکم است قال رسول الله ص (ستفرق امتی ثلثا وسبعین فرقه کلام

فی النار الا فرقه) که مستثنی لفظ (فرقه) است و فرقه شیعه است (فرقه)
(٣٨٥) (شیعه) (٣٨٥)
(لاعن الايات امنا ابتداء) اما الايات بشرنا الرجاء
(نحن امنا برشد المصطفى) يوم كننا معه طينا ومانا
هر کس بعمل والذين جاهدوا فينا مؤيد شد البته بشارت لنهدينهم سبلنا
مستبشر خواهد گردید (على بحث المعاني من مواضعها وما على اذا لم
يفهم البقر) فهذا هو البرهان الوجداني النوراني الحقاني والتدليل
الساطع القاطع القراني مما استنبطه القاصر الائم الجاني يوسف ابن
محمد بن يوسف النجفي الجيلاني

﴿ مقام اول ﴾

و در او سه مطالب است (مطالب اول) در انواع حروف است و آن بر سه
نوع است (فكریه) و (خطیّه) و (لفظیّه) اما حروف (فكریه) قد ضربنا
قطعه فی الجفر الجامع والنور اللامع واما (خطیّه) آن نقوش خطی است
که هر حرفی از آن دلالة بر عددی کند چنانچه ورود آنرا در
مختصر الجمل ابراد نمودیم که ١ (١) ب (٢) ج (٣) د (٤) ه
(٥) و (٦) ز (٧) ح (٨) ط (٩) ی (١٠) ک (٢٠) ل (٣٠) م
(٤٠) ن (٥٠) س (٦٠) ع (٧٠) ف (٨٠) ص (٩٠) ق (١٠٠)
ر (٢٠٠) ش (٣٠٠) ت [٤٠٠] ث (٥٠٠) خ (٦٠٠) ذ (٧٠٠)
ض [٨٠٠] ظ (٩٠٠) غ (١٠٠٠) که آنرا حساب جمل نامند و احقر
زیر جمل را با لفظ حکمه و ^{بنات} وجه جمل را با ^{بنات} خیر کثیر مطابقت
نموده ام (جمل) (٧٣) [حکمه] (٧٣) (وجه جمل) (٨٧) (خیر کثیر) (٨٧)
(ایکه ز اسرار زیر گشته می آگاه و خیر جمل آمد بدد حکمه و این نکته بگیر)

(ور که از یقینه خواهی تو منالی گویم برابر باب نظر وجه جمل خیر ~~کثیر~~)
 و از اتفاقیات این تطابق با توافق بعضی از معاصرین از اهل سداد
 موافق افتاد چنانچه فرماید
 از پس حمد خداوند و پس از ذکر رسول شنو از سر حقیقه زمن این نغز بیان
 کن برون پنبه پندار ز گوش شنوا چشم بینا بگشا تا که عیان بینی جان
 فهم هر شیئی بطوریکه بود در واقع آنچنان حکمه و این علم نباشد از زبان
 هر که را خواست خدا داده حکمه جملست سوی این خیر کثیر از جمل آئی آسان
 نگر از وجه جمل سر حقیقه را خوش معنی خیر کثیر این بود اندر عرفان
 جانب سر حقیقه نگر از وجه جمل تا که بی پرده از این پرده کند روی عیان
 (واما لفظیه) که آنرا حروف ملفوظی و صوتی نیز نامند عبارت از
 ما یتلفظ به است چون الف با تا تا جیم حا خا دال ذال را زا سین
 شین صاد ضاد طا ظا عین غین فا قاف کاف لام میم نون واو ها یا
 ملاحظه کن تمام کلمات و عبارات و اقوال سلف و خلف باختلاف لغات
 و السنه و اصطلاحات من زمن ادم الی یوم القیمة تماما ناشی و حاصل میشود
 از حروف تهجی که متشأن و متکون است از نفس انسانی که با کمال
 بساطت چون بمقاطع و مخارج حروف بگذرد و باوضاع متخالفه از حلق
 خارج شود از آن حروف متکون شود و از حروف کلمات و از کلمات
 کلامات و از کلامات منثورات و از منثورات منشدات متحقق میشود و بر
 انها آثار و احکام غیر متناهی مترتب میگردد و منشاء کل یک نفس بسط است
 و لطیف تر از این ملاحظه فرما بین چگونگی از نقطه واحد بسط حروف
 مقطعات و مرکبات که مدار جمیع کتب سماویه و آثار غیر متناهی است
 ناشی و صادر میشود و این حروف منقسم است نزد ارباب طاسعات و جغریات

و اعداد به (مقطوعه) که آنها را [ناطقه] گویند (و غیر مقطوعه) که آنها را
 (صامته) گویند و به (مفرد) و (مثنی) و (مثالث) باعتبار شریک داشتن
 و نداشتن و شریک متعدّد بودن و نبودن مثل دال و ذال و را و زا و عین
 و غین و سین و شین و مثل با و نا و و نا و جیم و حا و خا و مثل الف و فون
 و لام و میم و کاف و نحو ان مما لا مشار که غیره فی الصورة و میشود که
 مفرده را (محکم) و غیر مفرده را (متشابه) گویند و گاه باشد که صاحب
 نقطه واحده را (مفرده) و دو نقطه را (مثنی) و سه نقطه را (مثالث) نامند
 (مطلب دویم) بدانکه بعضی از حروف
 زبر آن زیاد تر از یقینات است چون با تا تا حا خا ذال را زا
 شین صاد ضاد طا ظا عین غین فا قاف ها یا و بعضی از حروف یقینات
 آن زیاده از زبر است چون الف جیم دال کاف لام میم نون واو
 و بعضی مساوی الطرفین است که زبر و یقینه آن مساوی است چون (سین)
 که آنرا (حرف کامل) و حرف (اسان کامل) نیز نامند و گفته شده
 (سین انسان چونکه خیزد از میان اول و آخر نمالند غیر آن)
 و آنچه در کتاب لسان الخواص گویند که (بعضی الحروف یکون زبره
 اکثر من یقیناته فی الحساب ککل من حروف کلمن) بدیهی البطلان
 و ظاهرة الفساد است بلکه یقیناته اکثر من زبره میباشد و شاید اشتباه از
 کاتب آن کتاب باشد (و ایضا) بدانکه حروف را آنجائیست مرفوعه
 و اسمائیست مشهوره آنچه تلفظ باسم آن به حرف میشود و اقل آن
 غیر آخر آن است (ملفوظی) گویند چون الف و جیم و آنچه اقل و آخر
 آن یکی است (مسروری) خوانند مثل میم و نون و واو و (مستدبر)
 نیز گویند و آنچه تلفظ در اسم آن بدو حرف میشود (ملبوسی) دانند

مثل با و تا و حروف (علیه) نیز گویند و آنچه که بما بعد خود متصل
نمیشود (مفاصله) نام نهند چون الف و دال و ذال و (مواصله) برخلاف
اینست و آنچه که حرف تعریف در آن مدغم میشود (مدغمه) و مقابل
آن (مظهره) است و سبب را (کامله) گویند (مطلب سیم)
در بیان اشتباه بعضی از اعیان چنانچه یکی از اذکیاء جهان و معروفین
زمان در خصوص لفظ ها که آن را هی تلفظ فرموده چنانچه فرماید
(الله بود يك الف و هی و دو لام زین اسم شریف دل گرفته آرام)
(از یقین الف علی را بطلب وزهی و دو لام جو محمد را نام)
یقین الف (لف) است و آن (۱۱۰) است علی نیز (۱۱۰) است و اما یقین
ها الف است که عدد مکتوبی آن (۱) است که باضافه یقین دو لام (۸۳)
میشود نه (۹۲) همچنانکه گمان کرده که با محمد مطابق باشد و کشف مرام
در زیادتى توضیح مقام بیاید (و اما) آنچه ملا جلال دقانی توهم فرموده
که از یقین حروف الله علی بیرون آید آن نیز تمام نیست چنانچه فرماید
(گر مرد رهى روشنى راه نگر آیات علی ز جان آگاه نگر)
(گر یقین بر الامتش می طلبی در یقین حروف الله نگر)
زیرا که یقین الف (لف) و آن مطابق با [علی] است چنانچه گذشت
و یقینات دو لام و ها (۸۳) است و علی (۱۱۰) است پس از حروف الله
علی بیرون نیامد بلکه از يك حرف الله علی استخراج شده و شاید
آنکه از یقین یقین ها نیز اراده علی نموده و آن اگرچه درست است ولی
علی کل حال از حروف الله که لفظ جمع است نتوان استخراج علی
نمود زیرا که جمع فرموده و از مفرد یا تشبیه آن مطلوب بر آید
و تواند بود که مصرع اخیر چنین باشد

(در یقین زحرف الله نگر) پس در اینصورت اشتباه از ناسخ باشد [فایده]

❖ مقام دوم ❖

در تطابق است مخفی نماید که بعضی از تطابقات مندرجه این مجموعه
منیفه و برخی از محتویات این زیر لطیفه مقتبسه از رساله شریفه
(مضیی الاعیان) است بخصوصه جلی از تطابق آیات قرآنی آن
(از رهگذر خالسر کوی شما بود هر ناله که در دست نسیم سحر افتاد)
چنانچه مطابق جمله از این مندرجات باهرات و مندمجات زاهرات از
منطابقات استادنا المؤمن الفرید فی الفن والوحید فی الزمن آقای
حاجی سید حسن کرازى کرمانشاهانی مدظله است و بی رسائل ظریفه
و صحائف ظریفه در این فن بزیور تصنیف در آورده آنچه بنظر
فاتر افق رسید (اسرار الکلم) (اشاره الکلم) (الف باء جدید) (جلوة
الکمال) (حقیقه مطاب) (حکمة آل محمد) (سبیل الاقط) (مبین کل)
و آنچه بنظر قاصر احتر نرسیده زیاده از آن است

(هر بوی که از مشك و قمر غل شنوی از دولت آن زلف چه سنبل شنوی)
و در این مقام دویم سه جلوه است (جلوة اول)
در تطابق زیر زیر بنام نامی حضرت خنمی مرتبة صلوات الله علیه (نبی)
(۶۲) (واجب دوم) (۶۲) (احمد) (۵۳) وجود اجل (۵۳) اجل وجود
(۵۳) (لازم وجود احمد) (۱۵۰) لازم ایجاد احمد (۱۵۰) ممکن [۱۵۰]
(قیل لی ماسم حبیبك قلت بین الناس احمد قبل محمود کیموسف
قلت والمحمود احمد) سائل (۹۲) وجود حکمه (۹۲) جلوة الواجب
(۹۲) اجمال وجوب (۹۲) وجه اکوان [۹۲] آیه وجه وجود الواجب
[۹۲] آیه وجه واجب الوجود [۹۲]

(نیست کسی به مروج و جود الواجب جز محمد همه اوصافش از او گشته عیان)
 (محمد) (۹۲) امان (۹۲) محمد (۱۳۲) زیرا که در لفظ او يك ميم
 مدغم است (م ح م د) الامین (۱۳۲)
 (لاسم خير الرسل فضل عند ذی الفضل مبين فهو فی الخط امان وهو فی اللفظ امین)
 (جاوۀ دویم) در تطابق بیتۀ بزبر بنام آنحضرت ص
 بیتۀ (ملح) (۹۲) زبر (محمد) (۹۲)

(فما اعجز الافکار عن کنه وصفه وما اقصر التفسیر عن کل معناه)
 [جلوة سیم] بنام پیغمبر ص باضافۀ عدد دیگر (محمد وا) (۹۳)
 اول جلوة واجب (۹۳) واسطۀ واجب (۹۳) (محمد و ۴)
 (۹۶) اول موجود (۹۶) جلوة وجه ازل (۹۶) (محمد و ۱۳)
 (۱۰۵) لباس واجب (۱۰۵) (احمد و ۱۳) (۶۶) (وجود الایه) (۶۶)

❖ مقام سیم ❖

و در آن سه رشته است (رشته اول) در تطابق زبر بزبر بنام مبارک
 مولی الموالی علی بن ابی طالب علیه السلام (وجود علی) (۱۲۹) ذی الله
 (۱۲۹) بدل النبی (۱۲۹) بقیة واجب (۱۲۹) حاصل (۱۲۹) معطی (۱۲۹)
 صلاح [۱۲۹] علی بن ابی طالب (۲۱۷) لایق جای نبی (۲۱۷) ره
 واجب (۲۱۷) علة امان (۲۱۷) دار واجب (۲۱۷) مصباح عبد (۲۱۷)
 مصباح کون (۲۱۷) رابطہ (۲۱۷)

(رابطۀ خلق و خدا غیر علی بن ابی طالب اربود کسی دادی از این رتبه نشان)
 (علی بن ابی طالب) (۲۱۸) نایب مناب نبی (۲۱۸) پیرو (۲۱۸)
 امام مؤمن (۲۱۸) صفة الواجب (۲۱۸) آیه رب (۲۱۸) راه واجب
 (۲۱۸) باب مدینة الحکم (۲۱۸) مصباح الوجود (۲۱۸) (وجه علی)

(۱۲۲) واجب امان (۱۲۳) آیه حق (۱۲۴) جنة الله (۱۲۴) علة ایجاد
 (۱۲۴) واسطۀ الواجب (۱۲۴) جمال ایجاد (۱۲۴) جمال الوجود (۱۲۴)
 اجمل الایجاد (۱۲۴) اجمل الوجود (۱۲۴) جلوة وجه الله (۱۲۴)
 محبوب الله (۱۲۴) جاوۀ علی ابن ابی طالب (۲۶۲) عنة مبقیه (۲۶۲)
 قبول وجه علی (۲۶۲) (وجه علی ابن ابی طالب) (۲۳۱) واسطۀ ممکن
 (۲۳۱) ولاء علی بن ابی طالب (۲۵۶) لواء علی بن ابی طالب (۲۵۶)
 نفس الله (۲۵۶) نور (۲۵۶) قصد وجود الواجب (۲۵۶) قصد واجب
 الوجود [۲۵۶] ابن ابی طالب [۱۰۸] جاوۀ جلال (۱۰۸) (اصحاب علی)
 (۲۱۲) اصحاب یمن (۲۱۲) آیه وجه علی (۱۴۱) عالم (۱۴۱) جلوة
 آیه وجه الله (۱۴۱) (حب علی ابن ابی طالب) (۲۲۷) نعمة واجب الوجود
 (۲۲۷) نعمة وجود الواجب (۲۲۷) (محبة علی) (۱۶۵) نعمة (۱۶۵)
 (ولایة علی) (۱۶۲) انعام (۱۶۲) (ولایة علی ابن ابی طالب) (۲۷۰)
 حصن الامان (۲۷۰) وجود علی ابن ابی طالب (۲۳۷) ایجاد علی
 ابن ابی طالب (۲۳۷) قصد الواجب (۲۳۷) حبیب علی ابن ابی طالب (۲۴۰)
 مقصود (۲۴۰) (محب علی) (۱۶۰) اصحاب جنة (۱۶۰) حب علی (۱۲۰)
 احسان (۱۲۰) طعام (۱۲۰) جنة واجب الوجود (۱۲۰) جنة وجود الواجب
 (۱۲۰) وجوب صحة (۱۲۰) تابع علی (۵۸۳) خمسة طيبة (۵۸۳) محمد

علی فاطمه حسن حسین (۵۸۳) ❖ رشته دویم ❖

بنام مبارک آن سرور باضافۀ عدد دیگر (علی وا) (۱۱۱) کافی (۱۱۱)
 وسیله (۱۱۱) امان ایجاد (۱۱۱) ایمنی (۱۱۱) (علی بن ابی طالب وا)
 (۲۱۸) علة ما سواه (۲۱۸) سالک الی الله (۲۱۸) زابر (۲۱۸) صفة الواجب
 (۲۱۸) (علی ابن ابی طالب وا) (۲۱۹) معاول الواجب [۲۱۹]

لیس للواجب معلول سواء وسوى صنوه الواحد فى الكون امان الاكوان
 كان فى معلوله منه بيان لمراد ومن الواحد للواحد اتمام بيان
 فهما معلوله والخلق معلولهما وهما علة امكن لما ياتى وكان
 (ولاية على بن ابى طالب و ۱۱) (۲۸۱) باب المراد (۲۸۱) بلاد مراد [۲۸۱]
 مراد اله (۲۸۱) (وجه على و ۱۳) (۱۳۷) قبله (۱۳۷) **رشته سیم**
 در تطابق لفظ على سواى تطابق اول (اول من امن) (۲۱۸) على ابن
 ابى طالب (۲۱۸) (على) (۱۱۰) دومین (۱۱۰) سیم (۱۱۰) جلوة الله
 (۱۱۰) لباس واجب [۱۱۰] لابس وجوب (۱۱۰)

هو اعظم اسماء حق لم يزل است ها ثابت واو غایب ابن رمز جلی است
 از بسط و ترا فاش چه تعداد کنی اسم عددش مطابق نام على است
 محمد حى (۱۱۰) میزان (۱۱۰) باب نجات امه (۱۱۰) کمال ایجاد
 (۱۱۰) ایجاد کمال (۱۱۰) امن وجود (۱۱۰) امن ایجاد (۱۱۰)
 جمال اله (۱۱۰) اهل جمال (۱۱۰) جلال الهی (۱۱۰) بلد جمال
 (۱۱۰) صبیح (۱۱۰) مالک ایجاد (۱۱۰) مالک وجود (۱۱۰) یعین
 (۱۱۰) ولی دین (۱۱۰) بحق (۱۱۰)

(فى ميم محمد وفى عين على معنى بعلاء مؤمن كل ولى)
 (من عدهما با بجد بلقهما مجموعهما مطابق لاسم على)
قاعده

(على بينى بهر اسمى معین بکن همچند اعدادش در این فن)
 (بفرایک بکن در عشر مضروب بطرح بیست بر بر یازده زن)

مقام چهارم

و در او سه سنبل است (سنبل اول) در تطابق زبر مولى الموالى

امیر المؤمنین على عليه السلام بزبر انبياء مرسلین عليهم السلام
 (حبیب النبی على (۲۲۵) آدم صفی (۲۲۵) (على ولى اله)
 (۱۹۲) نوح نبی الله (۱۹۲) على امین (۲۱۱) اسماعیل (۲۱۱) على
 ساحی (۱۶۹) اسحق (۱۶۹) الحبيب على ولى الله (۲۷۵) ادريس
 (۲۷۵) على اعز (۱۸۸) يعقوب (۱۸۸) على ولى (۱۵۶) يوسف
 (۱۵۶) حبيب الزكى على ولى الله (۳۱۲) ايوب صابر (۳۱۲) على
 العالى (۲۵۲) سليمان نبى (۲۵۲) (يد الله على) (۱۹۰) سليمان (۱۹۰)
 (ابن ابى طالب على هادى) (۲۳۸) زكريا (۲۳۸) (الوصى زكى على)
 (۲۸۴) يحيى معصوم (۲۸۴) على ولى الله (۲۲۲) صالح النبى (۲۲۲)
 (حيدر عادل على بن ابى طالب) (۵۴۴) يوشع بن نون (۵۴۴) (امام طاهر)
 و باطن على عطى عادل (۶۰۰) خضر (۱۶۰۰) (على داعى) (۱۹۵)
 الياس نبى (۱۹۵) (المعطى على ولى الله) (۳۸۴) شعيب (۳۸۲) على العالم
 (۲۸۲) موسى كايم الله (۲۸۲) الحبيب الحبيب على بن ابى طالب (۳۲۳)
 هرون نبى (۳۲۳) الكامل على بن ابى طالب (۲۸۷) عزيز (۲۸۷)
 واز اينجا است كه بعمار ياسر فرموده (باسمى تكونت الكائنات وباسمى
 دعى ساير الانبياء)

در تطابق زبر مولى الموالى على بن ابى طالب ۴ با بينات انبياء مرسلين
 عليهم السلام (على حاكم) (۱۷۹) داود (۱۷۹) (الماح على ولى الله) (۱۳۱۲)
 ذوالكفل (۱۳۱۲) المؤمن على بن ابى طالب (۳۸۴) ذوالقرنين (۳۸۴)
 (الهادى على عالى) (۲۷۲) اليسع (۲۷۲) (على واهب) (۱۲۴)
 يونس [۱۲۴]

در تطابق بينات امير المؤمنين با بينات انبياء مرسلين (حبيب على ولى الله)

(۳۴۹) دانیال (۳۴۹) (علی) (۲۹۰) هود نبی الله (۲۹۰)
 من عین علی عیننا قد نظرت واللام بها اذا النجوم انتشرت
 والیاء اذا نظرتها مفتکرا الفیت بها اذا السماء انفطرت
 ﴿مقام پنجم﴾

دراو سه طرماست (طره اول) در تطابق یقات مولی علی بن ابی طالب ۴
 بازیر وینات انبیاء مرسلین علیهم السلام (الحبیب الهادی علی) (۲۱۴)
 لوط نبی (۲۱۴) (طره دوم) در تطابق زبر بایقات باضافه (۱۱) عدد
 (علی بن ابی طالب و ۱۱) (۲۲۸) لقمن (۲۲۸) ﴿طره سیم﴾ در
 تطابق مولی علی بن ابی طالب بایقات انبیاء مرسلین مع حذف مکررات
 (علی بن ابی طالب (۲۱۷) محمد رسول الله (۲۱۷) عیسی روح الله (۲۱۷)
 (الهادی علی) (۱۶۱) ابراهیم خلیل (۱۶۱)

تصورت پیوند جهان بود علی بود ناقش زمین بود و زمان بود علی بود
 هم آدم و هم شیث هم ادریس و هم ایوب هم یونس هم یوسف هم هود علی بود
 هم موسی هم عیسی و هم خضر و هم الیاس هم صالح پیغمبر و داود علی بود
 مسجود ملائک که شد آدم ز علی شد در قبله محمد بدو مقصود علی بود

﴿مقام ششم﴾

دراو سه نمایش است (نمایش اول) در توافق کتب سماوی آنچه معروف
 و مشهور است باسم مبارک علی بن ابی طالب علیه السلام (نوریه) (۶۲۱)
 ولی الصادق الامین علی بن ابی طالب (۶۲۱) (الواح) (۴۶) ولی (۴۶)
 صحت (۱۷۸) ولی حبیب علی (۱۷۸) (زبور) (۲۱۵) علی عادل
 (۲۱۵) (انجیل) بینات او بحذف مکرر (۲۱۷) علی بن ابی طالب (۲۱۷)
 (فرقان) (۴۳۱) الحامی الماحی علی علام (۴۳۱) قرآن (۳۵۱)

هو الامام الهمام علی (۳۵۱) و انت الكتاب المبین الذی

با حرفه تظهر المضمهر ﴿نمایش دوم﴾

در توافق اسامی گرامی هریک از ائمه هدی بعد از اسقاط مکرر بنام
 مبارک علی ابن ابی طالب علیه السلام بطریق یقنه (علی بن ابی طالب) (۲۱۷)
 امام حسن (۲۱۷) امام حسین (۲۱۷) امام زین العابدین (۲۱۷) امام
 محمد بن علی (۲۱۷) امام جعفر بن محمد (۲۱۷) امام موسی کاظم
 (۲۱۷) امام علی بن موسی (۲۱۷) امام محمد بن علی (۲۱۷) امام علی بن
 محمد (۲۱۷) امام حسن العسکری (۲۱۷) امام م ح م د ابن الحسن (۲۱۷)
 ﴿نمایش سیم﴾ در تطابق آنچه ملاحظه شود با نام

مبارک علی بن ابی طالب چنانچه خوفا من الاطالة ببعضی ایماء میشود
 (عرش) بینات او (۱۲۱) هو علی (۱۲۱) (کرسی) (۳۹۰) الزکی
 علی ولی الله (۳۹۰) (لوح) زبر و بینات او (۹۳) ولی والی (۹۳)
 (قلم) (۱۷۰) ولی واهب علی (۱۷۰) (میزان) (۱۰۸) ابن ابوطالب (۱۰۸)
 صراط (۳۰۰) الوالی علی ولی الله (۳۰۰) (جنه) زبر و بینات او (۱۶۵)
 الحبیب علی ولی الله (۱۶۵)

کتاب فضل ترا آب بحر کافیه نیست که ترکیبی سر انگشت و صفحه بشماره

﴿مقام هفتم﴾

در استخراج حروف تهجی یعنی در تطابق حروف بیست هشتگانه بنام
 همایون علی بن ابی طالب علیه السلام بعضی از زبر و بعضی از بینه
 و برخی از زبر و بینه و پاره از بینه به بینه و در او سه قسمت است
 ﴿قسمت اول﴾ (الف) بینة الف (۱۱۰)
 علی (۱۱۰) و دوازده حرف دیگر که بینة آنها الف است بینة یقنه موافق

عن المجمع انه قال (لكل كتاب صفوة وصفوة هذا الكتاب يعني المصحف حروف التهجی) (سترسیم) از منشآت ملا جلال دقانی علیه رحمة الباری فانی الفاست احد از اوجوی مدد و اسماء بشمار یتناش بعدد بنگر که علی است فالعلی سر الله اذ قال الله قل هو الله احد واز شواهد ابن سراج که عقل کل و هادی سبل صلی الله علیه واله و سلم فرمود (مثل علی بن ابی طالب فیکم مثل قل هو الله احد فی القرآن)

مقام نهم

و در او سه نکته است [نکته اول] قولی است از امام همام علی بن ابی طالب علیه السلام که حق تعالی صد و چهارده کتاب از آسمان فرو فرستاد و توریة و انجیل و زبور و فرقان را از آنها برگزید و علوم همه کتابها را در ایشان درج کرد و پس از این چهار قرآن را برگزید و علوم و ثواب و نجات دنیا و آخرت را در آن مندرج ساخت و بعد از آن همه علوم را جمع نمود در سوره های مفصل که از سوره حمد است تا آخر قرآن و بعد از آن فاتحه را اختیار نمود و همه را در او جمع کرد و بعد از آن همه آن علوم را در بسم الله الرحمن الرحیم درج نمود و بعد از آن همه را در بسم الله وضع نمود پس آنحضرت فرمود که من آن قطعه ام که در زیر باء است و کلمه معروفه منسوبة بحضرت ولی الله علیه صلوات الله که فرمود (ظهرت الموجودات عن باء بسم الله وانا النقطة التي تحت الباء) و در قیل دیگر (جمیع ما فی القرآن فی باء بسم الله وانا النقطة تحت الباء) مؤید ما یقال و صحیح اقوال است و بهمین معنی فرموده اند (بالباء ظهر الوجود و بالنقطة تميز العابد من المعبود) یا آنکه (عن الباء ظهر الوجود و بالنقطة تميز العابد عن المعبود) جای دیگر (بالباء عرفه العارفون و ما من شیء الا و الباء مكتوبة عاينه) پس آنچه در همه کتب منزله سماویة است در قرآن است و آنچه

در قرآن است در سوره حمد است و آنچه در حمد است در بسم الله الرحمن الرحیم است و آنچه در بسم الله الرحمن الرحیم است در باء بسم الله و امیر المؤمنین فرمود منم آن قطعه زیر باء و از اینجاست که گفته اند (علی ستر خداست و کسی بی برد سر خدا را) باری بالالف التي لم تعطف وبقطة هي سر كل الا حرف ثبت علی هدای و اتعم نوره یامن به اصحب عنی مکتفی

نکته دوم

اینکه حروف معجمه نقطه دارند برخلاف سایر حروف البته حکمتی و سری دارد چنانچه گویند مولی الموالی فرماید (سرالکتاب المنزلة فی القرآن و سرالقرآن فی فاتحة الكتاب و سر فاتحة الكتاب فی بسم الله الرحمن الرحیم و سر بسم الله الرحمن الرحیم فی قطعة تحت الباء و انا قطعة تحت الباء) شیخ عبدالوهاب ابن احمد شعرانی در کتاب میزان روایت کند (قال علی علیه السلام لو شئت لا وقرت لكم ثمانین بعیرا من علوم النقطة التي تحت الباء) فرمود اگر بخواهم در معنی باء بسم الله هشتاد بار شتر کتاب بنویسم میتوانم (و عن ابن عباس ان علیا فسر لی باء بسم الله من اول الليل الی آخره و ما تم تفسیره) اگر قطعه زیر باء یا قاطع دیگر در حروف معجمه فائده و خاصیتی نداشت عالم علم سلونی قبل ان تفقدونی چنین فرمایشی نمیفرمود اسم مبارك علی علیه السلام

نکته سیم

مشتق از اسم خداست که عرب بهمین نام شریف (علی) خوانندش و اهل طایف (حمید) یا (تحمید) در مکه (باب البلد) در عراق (امیر النحل) در رقم آسمانی (احد) و در آسمانهای هفتگانه بدین ترتیب موسوم است (عبد الحمید) (عبد المجید) (عبد الصمد) (ذو العلی) (مزکی) (ابو العلی) (عبد العلی) (ذات العالی) (رب العالی) (علی الاعلی) و حضرت باری اورا در مسند عزت

تشانیده و (امیر المؤمنین) نام نهاده و عجم نیز باین اسم شریف میخوانندش
ولیکن در زبور (اری) در توریة (بریه) و (ایلیا) در انجیل (الیا)
(وشنطیا) در قرآن (هلانی) و در نزد اهل هند (گلبن) در نزد اهل روم
(بطریسا) در خطا (برلیا) در فارس (جیبر) و ترک (تیر) و زنجیان (خیبر)
(و میلا) و کاهنان (بوی) و حبشة (تبریک) و ارامنه (فریق) و فرنگ (مچیلان)
و دایه اش (میمون) و مادرش (حیدر) و (ابوالبشر) و (ابوالعز) و پدرش
(زهیر) و (ابوالحسن) و خواجة دوسرا (ابوتراب) و در قرآن نیز از
برای انسرور اسامی مختلفه ذکر شده چنانچه بیاید این بابویه در کتاب
معانی الاخبار آورده (صعد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
علی المنبر فقال ایها الناس انبونی فمن فنی فلیسینی والا فانا انسب نفسی
فانا زید ابن عبد مناف بن عامر بن عمرو بن المغیره بن زید بن کلاب فقام
ابن الکوا فقال له هذا مانعرفک نسباً غیر انک علی ابن ابی طالب بن
عبد المطلب بن هاشم ابن عبد مناف بن قصی بن کلاب فقال له بالکعب ان ابی
سعدی زیدا باسم جدّه قصی واسم ابی عبد مناف فقلبة الکنیة علی الاسم وان
اسم عبد المطلب عامر فقلت اللف علی الاسم واسم هاشم عمرو فقلت اللقب
علی الاسم واسم عبد مناف المغیره فقلب اللقب علی الاسم وان اسم قصی
زید فقلت اللقب علی الاسم) ومثال ضرب زید عمرا اشاره بدان است
(لکع) خمیس و بخیل و ذلیل و کردک خرو خر کرماست

زالقاب ان شاه والاتبار
لقبهای شایسته بوترباب
اگر جمع کردند جن و ملک
قلم گردد اشجار و دریامداد
ندائم کدامین نعیم شمار
لگنجد بچندین هزاران کتاب
ورق آورند از طباق فلک
نیارند حرفی از ان شاه یاد

﴿ مقام دهم ﴾

در مقام آورده که از مشاهیر نتایج افکار محمد بن الحسن نصیر الدین
طوسی مشهور بخواجه علیه الرحمه تطبیق آیه واهی هدایة (انما یرید الله
لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا) میباشد که از
زبر و یقنات او اسامی حضرت رسول و حضرت امیر بایازده فرزند او استخراج
فرموده باین طریق (انما) زبر او (۹۲) محمد (۹۲) یقنات او (۳۲۶)
وصی بحق علی (۳۲۶) (یرید الله) زبر او (۲۹۰) یقنات او (۲۲۷) مجموع
زبر و یقنات (۵۱۷) و امام الهمام الحسن ابن علی (۲۱۷) (لیذهب) زبر او
(۷۴۷) یقنات او (۷۵) مجموع (۸۲۲) و الامام الکامل ابو عبدالله الحسین
ابن علی ابن ابی طالب (۸۲۲) (عنکم) زبر او (۱۸۰) یقنات او (۲۴۷)
مجموع (۴۲۷) امام علی زین العابدین (۴۲۷) (الرجس) زبر او (۲۹۴)
یقنات او (۲۶۲) مجموع (۵۵۶) ماحی کفر و حامی اسلام (۵۵۶) (اهل البیت)
زبر او (۴۷۹) یقنات او (۳۰۶) مجموع (۷۸۵) محمد الباقر و جعفر (۷۸۵)
(و یطهرکم) زبر او (۲۹۰) یقنات او [۱۴۲] مجموع (۴۳۲) و امام موسی
و علی و محمد جواد (۴۳۲) (تطهیرا) زبر او [۶۲۵] یقنات او (۱۱۵)
مجموع (۷۴۰) و النقی و العسکری و المهدی الهادی (۷۴۰) و مؤید در کشف
مرام و زیادتی در صدق مقام در مقام چهاردهم در آیه چهل ششم بیاید

﴿ مقام یازدهم ﴾

در شناختن اثناعشریات است گرچه بصورتان بود معسور لیکن لا یرک
المعسور بالمیسور و اکتفا میشود برخی یسر و لا ینبک مثلی خیبر و اینهم
سری از اسرار ولایة است (اول) اسماء ثلاثه ظاهره که محتاج به مخلوق است
دوازده حرف است (ا ل ل ه ت ب ر ک ت ع ل ی) (دویم) ارکان

کلمه توحید دوازده حرف است (ل ا ل ا ه ا ل ا ل ه) (سیم)
 ارکان کلمه رسالت دوازده حرف است (م ح م د ر س و ل ا ل ه)
 (چهارم) ارکان کلمه خلافت (ع ل ی خ ل ی ف ا ل ل ه) (پنجم)
 کلمه امارت (ا م ی ر ا ل م ؤ م ن ی ن) (ششم) حجب دوازده میباید
 (۱) حجاب قدرة (۲) حجاب عظمت (۳) حجاب عزت (۴) حجاب هیئة
 (۵) حجاب جبروت [۶] حجاب رحمت (۷) حجاب نبوت (۸) حجاب
 کبریاً (۹) حجاب منزلة (۱۰) حجاب رفعة (۱۱) حجاب معادت (۱۲)
 حجاب شفاعت (هفتم) انکه هر يك از این اسماً مرکبه دوازده حرفند
 (لا اله الا الله) (الرحمن الرحیم) (الحمد المجدید) (الرؤف الرحیم)
 (الحنان المنان) (الخالق الباری) (الواحد الکرم) (الواحد القهار)
 (الظاهر الباطن) (التواب الوهاب) (الفتاح الرزاق) (المحسن المجمل)
 (المنعم المفضل) (الباعث الوارث) (ذیان یوم الدین) (هشتم) هر يك از
 اسامی انبیاء مرسلین دوازده حرف است (آدم خلیفة الله) (نوح خالصه الله)
 (موسی کلیم الله) (عیسی مسیح الله) (محمد حبیب الله) (واین حدیث شریف
 دوازده حرف است) (لانی بعد احمد) (نهم) هر يك از اسماً والقبائمه
 هدی دوازده حرف است (علی بن ابی طالب) (امام حسن مجتبی) (امام حسین
 شهید) (زین العابدین علی) (امام محمد باقر) (امام جعفر صادق) (امام موسی
 کاظم) (امام علی رضا) (امام محمد جواد) (امام علی نقی) (امام حسن عسکری)
 (امام محمد مهدی) (دهم) اسباط دوازده اند (۱) یهودا (۲) روبیل
 (۳) شمعون (۴) لاوی (۵) ربالون (۶) یشجر (۷) دینه (۸)
 دان (۹) یفتالی (۱۰) حاد (۱۱) شر (۱۲) بنیامین (یازدهم) حواریون
 دوازده اند (۱) اسیمون المدعو بطرس (۲) برادر او اندریاس (۳) یعقوب

ابن زیدی (۴) برادر او یوحنا (۵) فیلبوس (۶) بارثولوماوس [۷] ثوما
 (۸) متی الغشار (۹) یعقوب بن حلقا [۱۰] لیاوس المدعو نداوس (۱۱)
 تیمون القانونی (۱۲) یهودا الاسخريوطی (دوازدهم) ائمه دوازده اند (۱)
 علی (۲) حسن (۳) حسین (۴) علی [۵] محمد (۶) جعفر (۷) موسی
 (۸) علی (۹) محمد (۱۰) علی (۱۱) حسن (۱۲) محمد
 (سیزدهم) نقباء دوازده میباشند (۱) سعد بن عباد (۲) سعید بن زراره
 (۳) سعد بن الربیع (۴) سعد بن خیتمه (۵) منذر بن عمر (۶) عبد الله
 بن رواحه (۷) برائن ابن معروف ابوالهشیم ابن التیهان (۸) اسید بن حضیر
 (۹) عبدة بن عمرو ابن خزام (۱۰) عباد بن الصامت (۱۱) رافع بن مالک
 (۱۲) ابوامامه (چهاردهم) هر يك از اسم ولقب چهارده معصوم دوازده حرفند
 (۱) محمد رسول الله (۲) علی باب الهدی (۲) فاطمه امة الله (۴) الحسن المجتبی
 [۵] الحسين الشہید (۶) امام العابدین (۷) الامام الباقر (۸) الامام الصادق
 (۹) الامام کاظم (۱۰) امام علی رضا (۱۱) محمد ابن رضا (۱۲) علی
 ابن الجواد (۱۳) الحسن العسکری (۱۴) المهدي الهادی ﴿یازدهم﴾
 هر يك از این جمل دوازده حرف میباشند (النبی المصطفی) (الصادق الامین)
 (البشیر النذیر) (السراج المنیر) (الامام الاولی) (علی بن ابی طالب) (امیر المؤمنین)
 (العروة الوثقی) (امین الله حقاً) [فاطمة بنت محمد] (البتول الزهرا) (وارثة النبیین)
 (الامام الثانی) (الحسن المجتبی) (وارث المرسلین) (الامام الثالث) (الحسین
 ابن علی) (خلیفة النبیین) (ووالد الوصیین) (الحسن والحسین) (الامام الرابع)
 (الامام السجاد) (علی بن الحسین) (امام المسلمین) (وسید العابدین) (الامام الخامس)
 (الامام الباقر) (ابو محمد بن علی) (امام المؤمنین) (الامام السادس) (الامام الصادق)
 (الجعفر بن محمد) (قدوة الصدیقین) (الامام السابع) (الامام کاظم)

(الموسى بن جعفر) (الامام الثامن) (على ابن الكاظم) (الامام التاسع) (الامام الجواد) (هو محمد بن على) (محمد بن الرضا) (خليفة المنتجبين) (الامام العاشر) (الامام الهادى) (على ابن الجواد) (هو على ابن محمد) (وارث الوصيتين) (امام الحادى عشر) (الحسن المكرى) (امام المسلمين) (الامام الخاتم) (القائم الهادى) (محمّد ابن الحسن) (خليفة النبیین) (وخاتم الوصیین) (هیولاء العترة) (عترة الميامین) (منو عبدالمطلب) (سادة اهل الجنة) (محبهم مؤمن تقى) (محبهم فى الجنة) (فى الجنة مخلصا) (عدوهم کافر شقى) (عدوهم فى النار) (فى النار مؤبدا) (هو هدایة الخلق) (اللهم صل علیهم) (بافاضل صلواتك) (یارب العالمین) ﴿شانزدهم﴾
بروج دوازده اند (۱) حمل (۲) ثور (۳) جوزا (۴) سرطان (۵) اسد (۶) سنبله (۷) میزان (۸) عقرب (۹) قوس (۱۰) جدی (۱۱) دلو (۱۲) حوت ﴿هفدهم﴾ تحویل سنین (فارسیه) (۱) موش (۲) گاو (۳) یلنگ (۴) خرگوش (۵) نهنگ (۶) مار (۷) اسب (۸) گوسفند (۹) حمدونه (۱۰) مرغ (۱۱) سگ (۱۲) خوک (ترکیه) (۱) سیچقان (۲) اود (۳) پارس (۴) توشقان (۵) لوی (۶) ایلان (۷) یونت (۸) لوی (۹) ینجی (۱۰) تخاقوی (۱۱) ایت (۱۲) تنگوز ﴿هیجدهم﴾
شهور دوازده اند ﴿عریقه﴾ (۱) محرم [۲] صفر [۳] ربیع الاول [۴] ربیع الثانی (۵) جمادى الاولى (۶) جمادى الثانية (۷) رجب (۸) شعبان (۹) شهر رمضان (۱۰) شوال (۱۱) ذی القعدة (۱۲) ذی الحجة (رومیه) (۱) تشرین الاول (۲) تشرین الاخر (۳) کانون الاول (۴) کانون الثانی (۵) شباط (۶) آذار (۷) نisan (۸) ایار (۹) حزیران [۱۰] تموز [۱۱] آب (۱۲) ایلول ﴿فرستیه﴾ (۱) فروردین ماه (۲) اردی بهشت ماه (۳) خرداد ماه (۴) تیر ماه (۵) مرداد ماه (۶) شهریور ماه

(۷) مهر ماه (۸) ابان ماه (۹) آذر ماه (۱۰) دی ماه (۱۱) بهمن ماه (۱۲) اسفندار ماه (روستیه) (۱) ینوار (۲) فیورال (۳) مارت (۴) آپریل (۵) مای (۶) ایون (۷) ایول (۸) آوگوست (۹) سینطیابر (۱۰) اوکطیابر (۱۱) نوبابر (۱۲) دیکابر (نوزدهم) ساعات دوازده اند (لیلیه) (۱) شفق (۲) عسق (۳) عتمه (۴) صدق (۵) هجمه (۶) زواله (۷) زلفه (۸) اصیل (۹) سحر (۱۰) فجر (۱۱) صبح (۱۲) صباح (لهاریه) (۱) شروق (۲) بکور (۳) غدو (۴) ضحی (۵) هاجره (۶) استواء (۷) ظهره (۸) رواج (۹) عصر (۱۰) غروب (۱۱) مغرب (۱۲) عشاء (بیستم) اسماء مراتب عدد دوازده اند از یکی تاده و یازدهم صد و دوازدهم هزار و از لطایف نکات این مقام است آنکه در کلمه طیبیه توحیدیه اعنی (لا اله الا الله) حرفی غیر حروف اسم اعظم الله نیست چه ماده ترکیبش الف و لام و هاست پنج ل و پنج ا و دو ه مجموع دوازده (بیست یکم) کلمه شریفه اسلامیه دوازده حرف است (محمد رسول الله) و کلمات ایمانیه دوازده اند (على وصی الرسول) (على امام الوری) (على مظہر الہدی) (بیست دوم) زیارت اثنا عشریات این زیارت مطلقه مختصره نیست که هر يك از ائمه علیهم السلام را بان میتوان زیارت نمود و نام این زیارت اثنا عشریه است زیرا که هر فقره آن بدون حرف عطف دوازده حرف است و این بدیعه از منشآت شیخ العلماء العالمین شیخ بهاء الدین است (سلام الله علیکم) (اهل بیت العصمة) و (مفاتیح الرحمة) و (الاصیاء بالحق) و (الهادون للخلق) و (سلام الله علیکم) (معالم دین الله) و (معادن حکمة الله) و (مظاهر لطف الله) و (مخازن علم الله) و (مہابط وحی الله) و (حملة کتاب الله) و (خلفاء رسول الله) (سلام الله علیکم) (اعلام الهدایة) و (اقطاب الولاية) و (انوار الملکوت) و (اسرار اللاهوت)

و (بنایع العلوم) (عن الحی القیوم) (سلام الله علیکم) (مصایح الظلام) و (سادات الاسلام) و (هدایة دار السلام) و (ائمة کل الانام) و (رحمة الله وبرکاته) (علیکم اجمعینا) فانظر بعین الاعتبار الی ادوار الاعداد کیف جرت بهذه الاسرار بمشیة الملك المختار ذلك تقدیر العزیز العظیم لا یدرکه الا ذو ذوق سلیم و كذلك یضرب الله الامثال وله العثل الاعلی

مقام دوازدهم

در او سه عجبیه و یک اعجب العجایب است (عجیبة اول) اعداد اسماء ائمة اثناعشر را جمع نموده و (۱۳۶) مرتبه دوازده دوازده طرح نموده دوازده عدد باقی میماند علی (۱۱۰) الحسن (۱۴۹) الحسن (۱۴۹) (لانهما حسنان) علی (۱۱۰) محمد (۹۲) جعفر (۳۵۳) موسی (۱۱۶) علی (۱۱۰) محمد (۹۲) علی (۱۱۰) الحسن (۱۴۹) م ح م د (۹۲) عجیبة دویم اعجب از آنکه اسماء ائمه علیهم السلام را پس از طرح (۱۲) (۱۲) دوازده عدد باقی میماند القاب ائمه را نیز اگر (۵۵۸) مرتبه (۱۲) (۱۲) طرح نمائیم دوازده عدد نیز باقی میماند بدین دستور المرتضی (۱۴۸۱) المجتبی (۴۶۸) الشهید بکریلا (۶۰۵) زین العابدین (۲۳۵) الباقر (۳۳۴) الصادق (۲۲۶) کاظم (۹۹۲) الرضا (۱۰۳۱) النقی (۵۴۱) النقی (۱۹۱) العسکری (۳۹۱) القائم (۱۸۲) عجیبة سیّم اعجب از اعجب آنکه مجموع اعداد کتاء ائمه علیهم السلام را اگر بشماریم و (۱۳۳) مرتبه (۱۲) (۱۲) طرح نمائیم دوازده عدد باقی ماند بدین طریق ابوالحسن (۱۵۸) ابو محمد (۱۰۱) ابو جعفر (۳۶۲) ابو عبد الله (۱۵۱) ابی ابراهیم (۲۷۱) ابوالحسن (۱۵۸) ابو جعفر (۳۶۲) ابوالحسن (۱۵۸) ابو محمد (۱۰۱) ابوالقاسم (۲۴۱) اعجب العجایب اعجب تر از اعجب آنکه

اسماء ائمة اثنا عشر علیهم السلام که در توریة و صحف انبیاء مرسلین است هرگاه جمع نمائیم و (۵۸۱) مرتبه (۱۲) (۱۲) طرح نمائیم دوازده عدد باقی میماند بدین قسم ایلیا (۵۲) قیدار (۱۰۱۱) اذوییل (۷۵۷) مفسام (۲۲۱) شناع (۴۲۱) اذوما (۷۴۸) میشا (۳۵۱) (هذاد) (۱۴۰۶) قیمشا (۴۵۱) یطر (۲۱۹) لافیش (۴۴۱) واقیذماه (۸۵۸)

مقام سیزدهم

در داستان بعضی از رموز اسم اعظم که از داستان علم زبر و یقینات توان حل پاره از مشکلات نمود البته هر کس براندن اسب اقتباس انوار در میدان این اسرار گوی امان نظر از چوکان حقیقة این اشعار ربود احاطة بتمام اقسام اسماء ستار و انواع نامهای ملك مختار از محیط غیر محیط و محیط غیر محیط و محیط و محیط هر سه نمود و هولشیخنا بهاء الدین عطر الله مرقدہ و نور مضجعه

ای دو عالم بیک امر از تو تمام
هر چه برخواست از این تسع بساط
همه از جود تو دارند وجود
چون بهشتی ز تو در آثاریم
ترد اهل خرد و اهل عیان
یعنی اسماء حروف ار نبود
اثر اسم بهر اندازه
هیچ شک نیست که در اسرع حال
کنج اسای الهی حرف است
سی و شش حرف که در کف و شنید
اثرش تا متناهی بدوام
شارع عالم خاص جبروت
سر اسوت ازان در خطر است
نطق هر ذره ازان در قال است
بس اثرهاست در این عالم خاک
هر چه پیداست در این دیر دوراه
کائنات از تو بتسبیق و نظام
و آنچه پیداست از این هفت رباط
پیش ذات بر کوع و بسجود
چشم بر لطف عیبت داریم
حرف جیم و عدد اوست چه جان
سر دعوات مقرر نشود
گر بخوانند بهر آوازه
باجابة برسد بی افعال
گوهر مخزن شاهی حرف است
کس بیایان رموزش نرسید
مفتوح زوجه خواص و چه عوام
فاتح عالم ملک لا هوت
جان لا هوت ازان در حذر است
داند آن هر که ز اهل حال است
که کند اهل معانی ادراک
نیست بی جلوه اسماء الله

اسم اعظم که نهان از نظر است
الف و يك اسم که دارد دادار
يك از آن داشت یکی بیغمیر
مادر موسی عمران چون زاد
ليك میداشت نهان از هر کس
تا بفرمان خداوند جهان
شد از آن اسم مقدس آگاه
گفت یارب بصفات این اسم
که مرا ده ولدی با مقدار
نبی مرسل خود ساز او را
داد او را پیری رب جلیل
فوح از برکت این اسم و صفات
موسی از برکت این اسم بطور
عیسی این اسم چه بر خواند اموات
هر چه در عالم از این اسم بیاست
این در ازله صدف اسرار است
و چه اسم است که بسیار کسی
خاصیتش ندارد پسایان
رنج آفاق که نیک و بد حال
اسم خاصی است که اسرار جهان
کس چه داند که چه اسرار است این
لفظ این اسم چه تکرار کنی
قفل هر کار گشائی بمراد
چهارده حرف رساند این اسم
دشمن نیست شود چون سیماب
گر بخوانی ز سر صدق و یقین
جنیان با تو مصاحب گردند
جمله خلق سر افکنده تو
همه خلق حبیب کردند
هیچ علمی بنو مشکل نشود
متصل باشی خندان دلشاد

عقلها جمله از آن بی خبر است
هر یکی فائده نئی را در کار
یدرو مادر موسی از بر
یعنی آن اسم بدختر بنهاد
پدرش بود در این عالم و بس
یافت عمران شرف و صلت آن
که بود اعظم اسماء الله
بحق حرمت ذات این اسم
صاحب معرفت و علم و وقار
از ره مرتبه بنواز او را
که زد او جامه فرعون بنیل
یافت از مملکت آب نجات
یافت گفتار تجلی با نور
یافتند از اثر اسم حیات
زانکه این اسم کنوز الاسماست
بی بدل چون گهر شوار است
نیستش بر سر این دست رسی
عارفان نیز بدان در تابان
زان توان یافت بسنج اجمال
هست در کثر حروفش نهان
خاصه زمره ابرا راست این
چون باداد و عدد کار کنی
کردی از فیض مدا ما دلشاد
اولین آنکه گشائی تو طلسم
بند گردد بد میدن سه لای
کشف گردد همه کنج زمین
اولیا جمله بتو پیوندند
قیصر روم شود بنده تو
کیمیا نیز نصیب گردد
یکزمان حق ز تو غافل نشود
دین و دنیای تو گردد آباد

ليك هر کس بطریق دیگر
سر اسماء حروفش بشمام
مطلع گشته بدان کار کنند
امر خاصان نتوان گفت بعام
باشد از حسن عمل اهل کمال
زو روند از بی انصاف بدر
در عمل عزم بدیها میکنند
بوخواگفت حق اندر توریه
حنه در سورة انجیل بخوان
هست در مصحف مابعد سه میم
عدد یقینش هفتاد است
خوانده طیتوم دگر يك قیتوم
هست مشهور عرب بر جانه
دیلمی کرد رقم کافلا
نجیه قوم دگر جاهر شا
در احادیث و روایات و خبر
گرچه این اسم بسی مشهور است
سال عمرم چه باخر برسد
از ذخائر که کنوز الاسماست
بهر آسانی ارباب طلب
خواستم تا که در این علم یکم
لله الحمد که توفیق احد
من در این علم بسی بردم رنج
سر این گنج گهر بگشودم
حوریانرا همه بی سترو تقاب
بهر طلاب گشودم سر گنج
گوهر از کان عمل بنمودم
مزد مردیکه از این معدن خاص
عمل خیر به بنیاد کند
غرض اینست که ارباب طلب
این قواعد چه سراسر خوانند

دارد از حالت این اسم خبر
نتوان گفت مبادا که عوام
خلق را بیده آزار کنند
تا نیابد اثرش جاهل خام
چه بیابند از این اسم مجال
وز بدیها بنمایند حذر
فکر در باب ردیها نکنند
در مصحف گفت خدایش بخوات
بدرستی که همان است همان
در میانهای سور در حامیم
این هم از قاعده استاد است
مفری گفت که هست او هیوم
عجمی گفت و را برخانه
باز جمعی دگرش راحلنا
هست بوخانه دگر طاهر شا
هر یکی راست طریق دیگر
ليك اینخانه چنین منظور است
فکرتم پرده از این رمز کشید
بنده این اسم در آوردم راست
کردم اینکار به آداب و ادب
بنهم بر قدم مردان کام
داد وز این هنرم فیض مدد
که طلسمات گشودم زین کنج
گوهرش بین که عیان بنمودم
بنمودم بر کل احباب
نقد زین گنج نمودم بی رایج
پرده از چهره او بگشودم
گوهرش را چه بیابد بخواص
از بهائی بدعا یاد کند
نکنند از بی مقصود تعب
بهر ما فاتحه بر خوانند

چون از این اسم بیابند اثر
ای که خواهی بودت علم و عمل
گوش جان باز کن و دیده دل
گر ترا میل بتقریر من است
سخنم گوهر گوش دل کن
اگر از علم پی الهی
بهر طلاب از این نسخه شرف
من از این طایفه دارم سبقی
در رموزات که فکرم جلی است
اسم او با سور قرآنی
هشت حرف است بترتیب و نظام
قطعه اش نوزده از روی جمل
اولش میم و چهارم لام است
طابود آخر شش حرف در او
در سه جا مصدر است دال است
اولش هفده آخر سین است
قلب او باعث خوشحالیهاست
شامل کلی او دار حروف
مخرج یکنه اش هفتاد است
خوانم اندل که بیابد این رمز
ای بهائی چه توان کشف رموز
بیش از این کشف این راز مباح
هر که اهلیت این خالش هست
دم فرو بند که نا اهل شریع
من بتوفیق خداوند غفور
اصل و فرعش بنمودم به رموز
به بهائی همه از صدق و صفا
(انتهی کلامه رفع مقامه فنقول متشکرا
الا ای طوطی گویای اسرار
سرت سبز و دلت خوش باد جاوید
سخن سر بسته گفتی با حریفان

تروند از ره انصاف بدر
ناشود مشکل از این علمت حل
تا کنم بهر توحل این مشکل
بر گشا گوش که وقت سخن است
گوهر گوش خرد حاصل کن
بی تعلم سبقی می خواهی
کاملان راست در او چند شکر
خوانده ام در بر ایشان ورقی
از عطا های نبی و ولی است
متساوی است اسکر میدانی
بسط حرفش چهل گشته تمام
هست چون مدخل باسط بعمل
ستمش شهره در این ایام است
لکته سنجی که بفهمد نیکو
در سر آیه از انفال است
متصل در وسط یاسین است
فتح و نصبش همگی نور ضیا است
جامع علت آثار حروف
این همه فاعله استاد است
نکته فارش رموزات بغمز
کردی و یافتی و نقد کنوز
راز پنهان کن و غماز مباح
حاصل از این فالش هست
سود زین روش خاص خبیر
طالبان را بنمودم دستور
فالش کردم بهمه نقد کنوز
بکنند از ره اخلاص دعا
بجمیع الحاملات و مترنما بالآیات
مبادا خالیت شکر ز منقار
که خوش نشی نمودی از خطایار
خدا را زین معما پرده بردار

(فتح علی شاه مغفور از مرحوم حجة الاسلام شفتی این شعر خواجهر را سؤال نمود)

بلبل بر گ گلی خوش رنگ در منقار داشت
وندران بر گ ونوا خوش ناله های زار داشت
(سید اعلی الله مقامه در جواب فرمود)

صاحب در حالتیکه این بنده غم بسیار داشت
یادم آمد زان سؤالی کان عزیز اظهار داشت
مطلب خواجهر از این آياچه میباشد که گفت
بلبل بر گ گلی خوش رنگ در منقار داشت
فکر بسیاری نمودم لیک معلوم نشد
زانکه در شعرش بطون اسرارها بسیار داشت
نیم شب غواص گسردیدم بیجر ابجدی
تا ببینم این صدف آیا چه در دربار داشت
بلبل بر گ گلی شد سیصد و پنجاه شش
با علی با حسین با حسن معیار داشت
بر گ گل باشد نشان از حالت شاه حسن
زانکه در وقت شهادت سبز در منقار داشت
بلبل باشد علی گز حسرت آن بر گ گل
روز شب اندر فغان خوش ناله های زار داشت
رنگ گل باشد نشان از حال شاه کریم
چونکه در وقت شهادت عارض گنار داشت
این حساب ابجدی و این دلیل ظاهری
این سخن را مدعی دیگر چرا انکار داشت

❖ مقام چهاردهم ❖

در رموز زبر آیات قرآنی و کنوز یقینات انوار فراتیته است باب مدینه العلم
در نهج البلاغه فرماید (ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق لایفنی عجایبه ولا
ینفضی غرابیه ولا یکشف الظلمات الایه) همانا قرآن ظاهرش عجیب است و باطنش
عمیق فانی نمیشود عجایب آن و از میان نمیرود غرائب آن و روشن نمیشود
قاریکیها الا بنور آن (و در موضع دیگر از کتاب مسطور فرماید) (ان هذا
القرآن هو الناصح الذی لایمش والهادی الذی لایضل والمحدث الذی لایکذب)

همانا قرآن ناصحی است که در دانش نمی اندازد و هدایه کننده نیست که گمراه نمیکند و محدثی است که دروغ نمیگوید پس مطالعه نمایندگان منصفین بدیده بصیرت و انصاف بدون رشک و اعتساف در عجائب معجزات زاهرات و غرائب اسرار باهرات اگر بصیر گشایند و اشارات ربانیه و کلمات سبحانیه را از روی قانون قاهره زبر و قاعدة قاطعه یتنات امان نظر نمایند بیابند که تمام آیات رحمت ناطق بحقایق اهل عصمت است چنانچه در عکس طرد است و خصم را جواب کافی و ملزم مکفی است با ملاحظه تفاسیر مرقومه بطریق مانعة الخلو نه بدله خواهم مردم غلیل والله يقول الحق وهو يهدي السبيل (تفسیر ابو الفتوح) (تفسیر اهل بیت) [تفسیر امام فخر رازی] [تفسیر ابن مغربی شافعی] [تفسیر ابو معاویه] [تفسیر احمد حنبل] (تفسیر برهان) و [تفسیر ضیاء النادی] تالیفین سید هاشم بحرینی (تفسیر تبیان) (تفسیر ثعلبی) (تفسیر جامع البیان) (تفسیر جواهر القرآن) (تفسیر جوامع الجامع) (تفسیر حدائق الیقین) (تفسیر حمید طویل) (تفسیر حلیه الاولیاء) (تفسیر حافظ محمد شیرازی) [تفسیر خلاصة المنہج] (تفسیر سدی) (انی شیر و به دیامی در کتاب فردوس) [تفسیر طبری] (تفسیر علی بن ابراهیم) (تفسیر عسکری علیه السلام) (تفسیر علی بن احمد واحدی) (تفسیر کشاف) (تفسیر معالم التنزیل) (تفسیر منہج الصادقین) (تفسیر مجاهد) (تفسیر وکیع ابن جراح) (مصحف ابن سعود) (تفسیر نسفی) (مناب خطیب خوارزمی) (تفسیر کشانی) (مجمع البیان) (روح البیان) (تفسیر کشف البیان) (نزول القرآن) و ابن خادم فانی چند آیه از آنرا ذکر می نمایم و انما مکتونة سدره مخزونه را لوجه الله بر عباد مبدول میدارم تا قلوب مفتونه از آثار اسرار مکتونه محروم نمالند که شاید بر شحی از انهار اسرار که در لسان اختیار ساری شده فائز شوند بی آنکه اجر و مزدی طلب نمایم (انما طعمکم لوجه الله وما نريد منکم جزاء ولا شکورا) و این طعم نیست که ارواح

و افئدة منیرہ باوحیات باقیه یابند ولی مأمول و مرجو از ناظرین چنان است که تدبیر و تفکر در آیات قرآنی نمایند و اعتبار بگیرند چه قرآن ابلغ است در کشف اعتبارات و عبر مولى امیر المؤمنین علیه السلام فرماید (تدبر آیات القرآن واعتبر به فانها ابلغ العبر) و نمیگویم آنرا مگر از لسان حق و هو یرشد و یحق (بلبل از فیض تو آموخت سخن ورنه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقارش) و آن مشتمل است بر (هفتاد و سه آیه)

آیه اول

در سورة فاتحه (الحمد لله رب العالمین) زبر او (۵۸۳) محمد علی فاطمه حسن حسین (۵۸۳)

آیه دوم

(اهدنا الصراط المستقیم) زبر (الصراط المستقیم) (۱۰۱۲) حب رسول الله الاحد و علی بن ابی طالب والحسن والحسين و اولاده (۱۰۱۲) یتنات (الصراط المستقیم) (۱۶۷۴) حب نبی الله و ولیه الزکی و ابنیهما و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و مهدی الهادی (۱۶۷۴)

آیه سیم

در سورة بقره (الذین يؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون) زبر (الغیب) (۱۰۴۳) امام الجامع بالحق ابو القاسم محمد بن الحسن المهدی الهادی (۱۰۴۳) یتنات (الغیب) (۲۱۳) حبیب و دود محمد مهدی هادی (۲۱۳) (ایضا) هو الهادی محمد مهدی (۲۱۳)

آیه چهارم

(والذین يؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلك و بالآخرة هم یوقنون) زبر (ما انزل) (۱۲۹) وجود علی (۱۲۹)

آية پنجم

(فلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم)
 زبر (كلمات) (٤٩١) محمد وعلى بن ابي طالب والهما واولادهم (٣٩١) يتنات
 (كلمات) (٢٨٣) محمد حبيب وعلى واولاده (٢٨٣) مجموع زبر وبيته (٧٧٣)
 وهي محمد وعلى والفاطمه والحسن والحسين واولاده (٧٧٣)

آية ششم

(واقموا الصاوة و آتوا الزكوة واركعوا مع الراكعين) زبر
 [الراكعين] [٣٨٢] محمد نبي وعلى ولي الله (٣٨٢) يتنات (الراكعين) (٣٦٠)
 محمد حبيب نبي الله وعلى هادي ولي الله (٤٦٠)

آية هفتم

(واذا ابتلى ابراهيم ربه بكلمات فاتمهن قال اني جاعلك للناس
 اماما قال ومن ذريتى قال لا ينال عهدى الظالمين) زبر (ذريه)
 (٩١٥) الحبيب محمد نبي الله وعلى بن ابي طالب واله المعصومين (٩١٥)

آية هشتم

(ومن الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد)
 زبر (من يشرى نفسه) (٨٠٥) حاكم الهادي وصي رسول الله على بن ابي طالب
 (٨٠٥) يتنات (من يشرى نفسه) (٢٨٧) هادي الواهب على ولي الله (٢٨٧)

آية نهم

(الذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية فلهم اجرهم
 عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون) زبر (الذين) وضمير
 (او والهم) (٨٣٦) ولى عادل وصي رسول الله على بن ابي طالب (٨٣٦)
 يتنات (الذينهم) (٢٩٠) الزكى على ولي الله (٢٩٠)

آية دهم

(يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر) زبر (يسر) (٢٧٠) على بن ابي طالب
 واولاده (٢٧٠) (عن العياشي عن الثعالبي عن الباقر ع في قوله تعالى يريد الله بكم اليسر
 ولا يريد بكم العسر قال اليسر على ع وعلان وعلان العسر فمن كان من ولد آدم لم يدخل
 في ولاية فلان وعلان (قال في البحار) اى من يدخل في ولايتهما انما هو شرك شيطان
 آية يازدهم

درسورة آل عمران (وما يعلم تاويله الا الله والراسخون في العلم يقولون
 آمنا به كل من عند ربنا) زبر (والراسخون في العلم) (١٢١٥) محمد المصطفى
 حبيب الله وهادى على ولي الله والحسن والحسين واولاد الحسين (١٢١٥) يتنات
 [والراسخون في العلم] [٦٩٧] محمد المصطفى وحبيب الحبيب على ولي الله واله [٦٩٧]

آية دوازدهم

(وما يذكر الا اولوا الالباب) زبر (اولوا الالباب) (١١١) يتنات
 (اولوا الالباب) (٦٨٩) مجموع زبر وبيته (٨٠٠) اى سيدنا محمد نبي الله
 وعلى بن ابي طالب والهما ومواليهم (٨٠٠)

آية سيزدهم

(شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا
 هو العزيز الحكيم) زبر [اولوا العلم] [٢١٥] على عادل [٢١٥] على عادل [٢١٥]
 يتنات (اولوا العلم) (٥٤٨) محمد نبي الله والهادى على بن ابي طالب والهما (٥٤٨)

آية چهاردهم

(ان الله اصطفى آدم ونوحا و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين
 ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم) زبر (آل ابراهيم) (٢٨٩)
 حبيب الله الحكيم محمد (٢٨٩) يتنات (آل ابراهيم) (٣١٥) محمد المدني

حبيب الله (٣١٥) زبر آل عمران (٣٩٢) مولانا على ولي الله وآله (٣٩٢)
 يتنات (آل عمران) (٣٢٨) الامام الهادي على ولي الله وآله (٤٢٨) زبر (ذرية)
 (٩١٥) الحبيب محمد رسول الله والوكيل على ولي الله والهما (٩١٥) يتنات
 (ذرية) (٣٤) مجموع زبر وبناته (٩٤٩) الداعي محمد نبي الله وعلى بن ابي طالب
 واولاده المعصومين (٩٤٩) زبر (بعضها من بعض) (١٨٤٠) الداعي محمد المصطفى
 رسول الله والمطهر على بن ابي طالب ولي الله واولاده المعصومين (١٨٤٠)
 يتنات (بعضها من بعض) (٣٤٩) محمد وعلى ولي وآله واولاده (٣٤٩)
 مجموع زبر وبناته (٢١٨٩) الطيب محمد نبي الله وعلى والحسن والحسين وعلى
 ومحمد وجعفر وموسى وعلى ومحمد وعلى والحسن ومحمد بن الحسن (٢١٨٩)
 (ايضا) محمد المصطفى وولته على المرتضى وابناهما والهما (٢١٨٩)

﴿ آية پانزدهم ﴾

(فمن حاجك فيه من بعد ما جئتك من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا وابنائكم
 ونسائنا ونسائكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين)
 زبر (ابنائنا) (١٠٦) يتنات (ابنائنا) (٥٥٣) مجموع (٦٥٩) المطهر بن الحسن
 والحسين (٦٥٩) يتنات (٥٥٣) سديدن واهبين الحسن والحسين (٥٥٣)
 زبر (نسائنا) (١٦٢) يتنات (نسائنا) (٥٠٦) مجموع (٦٦٨) ام الائمة النجباء
 الهداة في الله فاطمة آية الله (٦٦٨) زبر (انفسنا) (٢٤٢) على هادي ولي الله
 (٢٤٢) يتنات (انفسنا) (٣٩٣) نفس نبي على (٣٩٣) مجموع زبر وبناته
 (٦٣٥) نفس حبيب الله بالنص الجلي على (٦٣٥)

﴿ آية شانزدهم ﴾

(واعتصموا بحبل الله جميعا) زبر [حبل الله] (١٠٦) يتنات (حبل الله)
 (٢٣٦) مجموع زبر وبناته (٢٣٦) محمد وولته على والهما (٣٤٢)

﴿ آية هفدهم ﴾

(الذين ينفقون في السراء والضراء) زبر (الذين ينفقون) (١٠٨٧)
 محمد على فاطمة حسن والحسين اولاده الطيبين الطاهرين (١٠٨٧)

﴿ آية هيجدهم ﴾

(والكاظمين الغيظ والعافين عن الناس) زبر (والكاظمين الغيظ والعافين
 عن الناس) (٣٥٠٩) حبيب اله محمد واله على والحسن والحسين
 وعلى بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى
 ومحمد بن علي وعلى بن محمد والحسن بن علي ومحمد الهادي [٣٥٠٩]

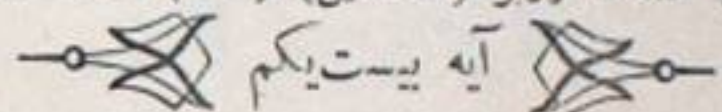
﴿ آية نوزدهم ﴾

درسورة ساء (يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولي
 الامر منكم) زبر (اولي الامر) (٣١٩) الولي الحامي على واله (٣١٩)
 يتنات (اولي الامر) (٤٧١) الحاكم على بن ابي طالب ولي الله وآله (٤٧١)

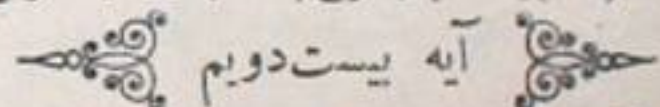
﴿ آية يستم ﴾

(ومن يطع الله والرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين
 والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا) زبر
 [من النبيين] (٢٤٣) المكيين محمد [٢٤٣] يتنات (من النبيين) (٣٧٢) الهادي
 بالحق محمد حبيب الله (٣٧٢) مجموع زبر وبناته (٦١٥) الداعي الجواد
 محمد رسول الله (٦١٥) زبر (والصديقين) (٣٠١) هادي حامي على ولي الله
 (٣٠١) يتنات (والصديقين) (٣٣٣) على عالي ولي الله (٣٣٣) مجموع زبر
 وبناته (٦٣٤) الامام الصادق الوالي على بن ابي طالب (٦٣٤) زبر (والشهداء)
 (٣٤٨) يتنات (والشهداء) (٤٧٠) مجموع زبر وبناته (٨١٨) الامامين الاعز
 السبطين الحسن والحسين [٨١٨] زبر (والصالحين) (٢٢٦) يتنات (والصالحين)

(۳۷۲) مجموع (۵۹۸) حبیب هادی زین العابدین علی بن الحسین (۵۹۸)
از زبر و یقینات صدیقین و شهداء و صالحین در این آیه شریفه و معجزه منیغه و اوصاف
بحار عرفان چون صاحب معیشتی الاعیان اسامی بالثائمه اثنا عشر را مطابق نموده اند
چنانچه در روایة عمرو بن ثابت از یزید (و الصدیقین) بهمان دستور مستور است
واز (شهداء) جعفر و حمزه بیرون آورده اند و از (صالحین) امام حسن و امام حسین
استخراج نموده اند و بر روایة ابن صالح از (شهداء) اسامی امام حسن و امام حسین
و حمزه و جعفر هربك علی حده کشف نموده اند و از (صالحین) اسامی سلمان
و جابر و عمار گفته اند و زبر (الصالحین) (۲۲۰) مقدار اسود (۲۲۰)

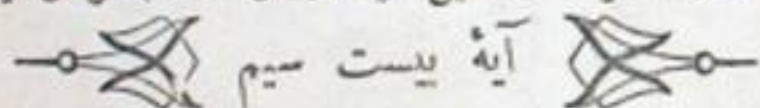


در سورة مائده (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت
لکم الاسلام دینا) زبر (دین) (۶۴) یقینات (دین) (۸۸) مجموع (۱۵۲) زبر
(نعمه) (۱۶۵) یقینات (نعمه) (۱۶۷) مجموع (۳۳۲) ای ولایة المولی علی و اله [۳۳۲]



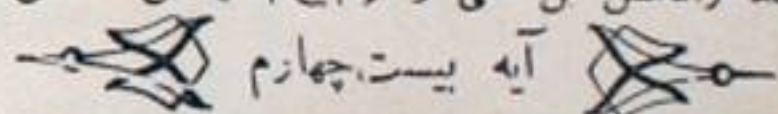
(یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم
یحبههم و یحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یجاهدون
فی سبیل الله ولا یخافون لومة لائم ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء
والله سميع علیم) زبر (قوم) (۱۴۶) حبیب و اهب علی (۱۴۶) یقینات
(قوم) (۱۳۸) و اهب و اجد علی (۱۳۸) مجموع زبر و یقینات (۲۸۴)
حبیب هادی الامین علی (۲۸۴) زبر (اذله) (۷۳۶) الامام الموحّدین ولی الله
الجامع العلی بن ابی طالب (۷۳۶) یقینات (اذله) (۱۸۳) حبیب الهادی علی (۱۸۳)
مجموع زبر و یقینات (۹۱۹) الامام الموحّدین السید الوصیین حبیب الداعی علی بن
ابی طالب (۹۱۹) زبر (اعزه) (۸۳) ولی زکی (۸۳) یقینات (اعزه) (۱۷۲)

علی حمید (۱۷۲) مجموع زبر و یقینات (۲۵۵) ولی الزکی علی (۲۵۵) زبر
(یجاهدون) (۷۹) ولی هادی احد (۷۹) یقینات [۲۵۶] هادی و اهب علی ولی الله
(۲۵۶) زبر (لایخافون) [۷۷۸] ناصر الاولیاء الحمید علی ولی الله و آله (۷۷۸)
یقینات او (۳۲۷) التلیل علی ولی الله (۳۲۷) مجموع زبر و یقینات
(لایخافون) (۱۱۰۵) (نوع دیگر) در وصف امام حائمه عالم حجة بن الحسن
ارواح العالمین فداء از همین آیه شریفه مذکوره زبر و یقینات (قوم) (۲۸۴)
محمد الهادی بالحق (۲۸۴) زبر و یقینات (اذله) (۹۱۹) الحمید المطهر الموعود
ابن الحسن (م ح م د) المهدی (۹۱۹) زبر و یقینات (اعزه) (۲۵۵)
سمتی محمد حبیب (۲۵۵) زبر و یقینات (یجاهدون) (۳۳۵) امام محمد المهدی
و محبیه (۴۳۵) زبر و یقینات [لایخافون] (۱۱۰۵) القايم التايم الموعود بالحق
امام (م ح م د) الحسن الهادی و اصحابه (۱۱۰۵) علی بن ابراهیم در
تفسیر خود اشاره نموده که این آیه در شان صاحب الزمان علیه السلام است



(انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلوة
و یؤتون الزکوة و هم را کمون) زبر (انما) (۹۲) محمد (۹۲) یقینات
(انما) (۳۲۶) وصی بحق علی (۳۲۶) زبر (ولیکم) (۱۰۶) مجموع
زبر (انما و لیکم) (۱۹۸) هادی الزکی علی (۱۹۸) یقینات (انما و لیکم)
(۵۱۶) وصی محمد مولی علی ولی الله (۵۱۶) زبر و یقینات (ولیکم)
(۲۸۶) اول الاوصیاء علی (۲۸۶) زبر (الله و رسوله) (۳۷۳) یقینات
(الله و رسوله) (۳۱۰) مجموع زبر و یقینات (۶۸۳) بنص الله الهادی المبدئی
الودود و سید النبی الامی (۶۸۳) زبر (والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة
و یؤتون الزکوة و هم را کمون) (۳۰۰۹) غالب کل غالب و مطلوب کله

طالب الشقيع على بن ابي طالب (٣٠٠٩) (ايضا) الوصى بحق بعد رسول الله
على ولي الله والبطين الحسن والحسين وعلى ومحمد وجعفر وموسى وعلى
ومحمد وعلى والحسن (م ح م د) بن الحسن المهدي الهادي (٣٠٠٩) يثقات
(والذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكاة وهم راكعون)
(١٩١٢) على بن ابي طالب والبطين الحسن والحسين وعلى ومحمد
وجعفر وموسى وعلى ومحمد وعلى والحسن ومهدي هادي (١٩١٢)
(ايضا) امام الهادي بالحق والوصى بعد رسول الله بالنصي الجلي بلا فصل
الامين ابن ابي طالب على واولاده اجمعين (١٩١٢) مجموع زبر ويثقات
(والذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكاة وهم راكعون)
(٤٩٢١) الامام بالحق والوصى بعد رسول الله بالنصي الجلي هازم الاحزاب
على بن ابي طالب والبطين الحسن والحسين وعلى بن الحسين ومحمد
بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن علي
وعلي بن محمد والحسن بن علي و (م ح م د) بن الحسن (٤٩٢١)



(يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان اقم تفعل فما بلغت
رسالة الله والله يصدك من الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين)
زبر (ما انزل اليك من ربك) (٥٠٢) امامة هازم الاحزاب على بن ابي طالب
 وآله واولاده (٥٠٢) يثقات (ما انزل اليك من ربك) (٧٩٠) امامة
مزين القلوب حبيب حبيب الله على ولي الله وآله واولاده (٧٩٠) مجموع
زبر ويثقات (١٢٩٢) هو خلافة على ولي الله وامامة باقي ائمة الهدى (١٢٩٢)
(ايضا) ان عليا ولي الله بنص الجلي بعد رسول الله الهادي مولى المؤمنين (١٢٩٢)

آية ليست بنجم

درسورة انعام (وان اقيموا الصلوة واتقوه وهو الذي اليه تحشرون)
زبر (الصلوة) (١٦٢) ولاية على (١٦٢) السلام (١٦٢)

آية ليست ششم

(فالتق الاصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسباننا ذلك
تقدير العزيز العليم) زبر (الشمس) (٤٣١) نبي الصادق الهادي محمد
(٤٣١) يثقات (الشمس) (٣٢١) داعي الهادي الحميد محمد (٣٢١)
مجموع زبر ويثقات (٧٥٢) الداعي الهادي الوالي الحبيب محمد رسول الله
(٧٥٢) زبر (القمر) (٣٧١) حبيب الامين على ابن ابي طالب (٣٧١)
يثقات (القمر) (٢٨٣) ولي هادي على ابن ابي طالب (٢٨٣) مجموع
زبر ويثقات (٦٥٤) السيد المنور على ولي الله (٦٥٤)

آية ليست هفتم

(وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا بها في ظلمات البر والبحر قد فصلنا
الايات لقوم يعلمون) زبر (النجوم) (١٣٠) يثقات (النجوم) (٣١٤)
مجموع (٤٤٤) اي اولاد على ابن ابي طالب (٤٤٤)

آية ليست هشتم

درسورة اعراف (ونادي اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما
وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن
بينهم ان لعنة الله على الظالمين) زبر (مؤذن) (٧٩٦) حبيب الفقراء الجامع
على بن ابي طالب (٧٩٦) يثقات (مؤذن) (١٤٤) هادي جواد على (١٤٤)
مجموع زبر ويثقات (٩٤٠) زكي وواقف الاسرار على بن ابي طالب (٩٤٠)

آية ليست نهم

(وعلى الاعراف رجال يعرفون كل بسيماهم) زبر (رجال يعرفون)

(٦٥٠) بينات او (٣٢٨) مجموع زبر وبينات (٩٧٨) الحبيب محمد رسول الله والاعراف على ولي الله والهنا (٩٧٨) ايضا الحاكم الوكيل على بن ابي طالب وعباس وحمزة وجعفر (٩٧٨)

آيه سي ام

(ومن خلقنا امة يهدون بالحق وبه يعدلون) زبر (امه) (٤٦) بينات او (١٦١) مجموع زبر وبينات (٢٠٧) الوكيل على (٢٠٧)

آيه سي ويكم

سورة انفال (هو الذي ايدك بنصره وبالمؤمنين) زبر (المؤمنين) (٢٢٧) المولى على (٢٢٧) بينات (المؤمنين) (٣٧١) حبيب حبيب الاحد على بن ابي طالب (٣٧١) مجموع زبر وبينات (المؤمنين) (٥٩٨) النصير على بن ابي طالب (٥٩٨)

آيه سي ودويم

في زبر سورة انفال (يا ايها النبي حسبك الله ومن اتبعك من المؤمنين) در زبر وبينته ومجموع زبر وبينته بترتيب آية قبل است در لفظ (المؤمنين) آيه سي وسيم

سورة توبه (والسابقون الاولون من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم باحسان رضى الله عنهم ورضوا عنه واعده لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا ذلك الفوز العظيم) زبر (السابقون) (٢٥٠) واهب واجد جواد على ولي الله (٢٥٠) بينات السابقون (٣٦٦) الوصى الوالى بالحق على (٤٦٦) مجموع زبر وبينات (السابقون) (٧١٦) الوصى رسول الله على بن ابي طالب (٧١٦) ايضا الوالى العالى على ولي الله وام المؤمنين (٧١٦) (وجه ديگر) زبر (السابق) (١٩٤) بينة (السابق) (٤٠٣) مجموع زبر وبينات (٥٩٧) الوصى بحق امام الهادي على بن ابي طالب (٥٩٧)

آيه سي وجهارم

(يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين) زبر (الصادقين) (٢٨٦) حبيب والى على بن ابي طالب (٢٨٦) بينات (الصادقين) (٤٣٥) امام بحق وهادي على بن ابي طالب (٤٣٥) مجموع زبر وبينات (٧٢١) سيدنا على بن ابي طالب وآله المعصومين (٧٢١) (نوع ديگر) زبر (الصادق) (٢٢٦) بينات (الصادق) (٣٧٨) مجموع زبر وبينات (٦٠٤) الامام الميرزا بحق على بن ابي طالب (٦٠٤)

آيه سي وپنجم

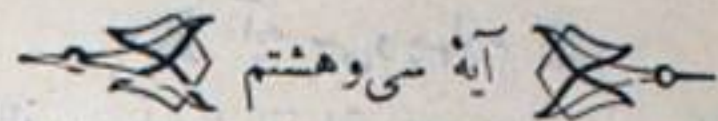
سورة يونس (افمن يهدي الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدي الا ان يهدي فما لكم كيف تحكمون) زبر (من يهدي) (١١٩) بينات (من يهدي) (١٤٠) مجموع زبر وبينات (٢٥٩) على بن ابي طالب وآله (٢٥٩)

آيه سي وششم

(قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون) زبر (بفضل الله) (٩٧٨) سيد المولى حبيب الفقراء محمد المصطفى (٩٧٨) بينات (بفضل الله) (٢١٤) نبي اله الهادي محمد (٢١٤) (ايضا) ابو القاسم (٢٤١) زبر (برحمته) (٦٥٥) الامام العالم المعز على ولي الله (٦٥٥) بينات (برحمته) (٥٥) مجموع زبر وبينات (٧١٠) امام العالم الكامل المولى على بن ابي طالب (٧١٠)

آيه سي وهفتم

(الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون) زبر (اولياء الله) (١١٥) بينات (اولياء الله) (٥٧٢) مجموع زبر وبينات (٦٨٧) معز الاولياء وعون الاوصياء ابن ابي طالب على (٦٨٧) (ايضا) اطهر الاولياء ومولانا على بن ابي طالب واله (٦٨٧) (نوع ديگر) على واولاده وتابعهم (٦٨٧)



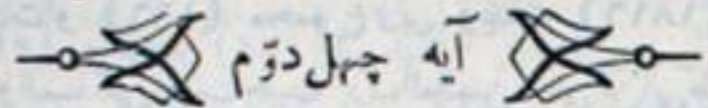
سورة هود (افمن كان على يئنة من ربه ويتلوه شاهد منه) زبر (من كان على يئنة)
 (٣٣٨) الطاهر محمد (٣٣٨) يئنا (من كان على يئنة) (٥١٤) الاعز محمد
 العربي (٥١٤) مجموع زبر ويئنا (٨٥٢) الامي المكي المدني نبي الاله محمد
 العربي (٨٥٢) (ايضا) زكي الامي محمد القرشي (٨٥٢) زبر (يتلوه شاهد)
 (٧٦١) سيدنا ومولانا المطهر علي بن ابي طالب (٧٦١) يئنا (يتلوه شاهد)
 (٢٥٣) الوكيل علي ولي (٢٥٣) مجموع زبر ويئنا (١٠١٤) امام الامين
 وصي رسول الله حبيب حبيب الله علي ولي الله (١٠١٤)
 ﴿ آية سي ونهم ﴾

سورة رعد (ويقول الذين كفروا لولا انزل عليه آية من ربه انما انت
 منذر ولكل قوم هاد) زبر (منذر) (٩٩٠) مزين القلوب محمد المصطفى
 رسول الله (٩٩٠) يئنا (منذر) (١٣٨) هو حبيب احد محمد (١٣٨)
 مجموع زبر ويئنا (١١٢٨) الكامل الهادي ابو القاسم محمد المصطفى
 ولحق الله هاد (١١٢٨) زبر (هاد) (١٠) يئنا (هاد) (١٤٢)
 مجموع زبر ويئنا (١٥٢) هو العلي (١٥٢) ايضا علي وآله (١٥٢)
 ﴿ آية جهلم ﴾

(قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب) زبر (من عنده)
 (٢١٩) علي الاعز (٢١٩) يئنا (من عنده) (٢٥٤) امام حميد علي (٢٥٩)
 مجموع زبر ويئنا (٤٧٣) صاحب لوا وولي الله علي بن ابي طالب (٤٧٣)
 ﴿ آية جهل يكهم ﴾

سورة انبياء (فاستلوا اهل الذكر ان كنتم لاتعلمون) زبر [اهل الذكر] [٩٨٧]
 محمد رسول الله وواهب واجد جواد علي والهما الطاهرين (٩٨٧) يئنا

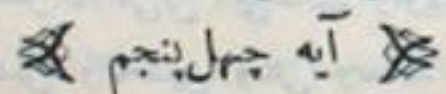
(اهل الذكر) (٤١٦) سيدنا محمد وعلي والهما (٤١٦) مجموع زبر ويئنا
 (١٤٠٣) محمد رسول الله وعلي بن ابي طالب والهما المعصومين الطاهرين (١٤٠٣)



سورة مرقان (وهو الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان
 ربك قديرا) زبر (نسبا وصهرا) (٤١٥) يئنا او (٣٥١) مجموع (٧٦٦)
 زوج زهرا وابن عم نبي هادي دين علي ولي الله (٧٦٦)
 ﴿ آية جهل سيم ﴾

سورة نمل (من جاء بالحسنة فله خير منها وهم من فزع يومئذ آمنون)
 زبر (الحسنة) (١٥٤) حب هادي واهب علي (١٥٤) يئنا او (٢٦٩) حب علي بن
 ابي طالب وآله (٢٦٩) مجموع زبر ويئنا (٣٢٣) حب سيدنا العادل علي وآله (٣٢٣)
 ﴿ آية جهل چهارم ﴾

سورة سجده (افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون) زبر
 (من كان مؤمنا) (٢٩٨) ولي الاعلى علي (٢٩٨) يئنا او (٦٢٦) امام عادل ووصي
 بحق علي بن ابي طالب (٦٢٦) مجموع زبر ويئنا (٩٢٤) الامام الحاكم
 بالحق والوصي المطلق علي بن ابي طالب (٩٢٤)



سورة احزاب (من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم
 من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا) زبر (من المؤمنين
 رجال) (٥٥١) ولي الله جواد وحمزه وجعفر (٥٥١) يئنا (من المؤمنين
 رجال) (٦٧٩) امام حميد علي وحمزه وجعفر (٦٧٩) مجموع زبر ويئنا (١٢٣٠)
 مولانا علي بن ابي طالب وحمزة بن عبدالمطلب وجعفر طيار (١٢٣٠) زبر
 (من قضى نحبه) (١٠٦٥) يئنا او (٢٥٢) مجموع زبر ويئنا (١٣١٧)

عم رسول الله الزكي حمزه وابن عمه جعفر طيار (١٣١٧) زبر (من ينتظر)
(١٦٥٠) يثقات او (١٦٦) مجموع زبر و يثقات (١٨١٦) انيس الاصفا
مونس الفقراء والمساكين حبيب حبيب رب العالمين علي بن ابي طالب (١٨١٦)

آيه چهل ششم

(انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا)
زبر (عنكم اهل البيت) (٦٥٩) يثقات او (٥٥٣) مجموع زبر و يثقات
(١٢١٢) امام الواهب علي ولي الله وفاطمة والسبطين الحسن والحسين
واولاد الحسين (١٢١٢) تفصيل آن در مقام دهم گذشت

آيه چهل هفتم

سورة فاطر (ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه
ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخيرات باذن الله ذلك هو الفضل الكبير)
زبر (سابق بالخيرات) (١٤٠٧) ناصر الاوليا راحم الفقرا الهادي علي ولي الله
واولاده (١٤٠٧) يثقات (سابق بالخيرات) (٥١٨) الحاكم المعز علي بن
ابي طالب واولاده (٥١٨) مجموع زبر و يثقات (١٩٢٥) حبيب الاقبياء
وناصر الاولياء راحم الفقراء علي بن ابي طالب واولاده (١٩٢٥) (ايضا)
علي بن ابي طالب والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي
ومحمد وعلي والحسن و (م ج م د) مهدي الهادي (١٩٢٥)

آيه چهل هشتم

سورة الصافات (وقفوهم انهم مسؤولون) زبر (مسؤولون) (١٩٣)
حب علي هادي واولاده (١٩٣) يثقات (مسؤولون) (٣٣١) هو حب الهادي
علي بن ابي طالب وآله (٣٣١) مجموع زبر و يثقات (٥٢٤) عن حب امام
علي بن ابي طالب وآله واولاده (٥٢٤)

آيه چهل نهم

(سلام علي آل يس) زبر (آل يس) (١٠١) يثقات او (٢١٢) مجموع
زبر و يثقات (٣١٣) ابن ابي طالب علي وآله واولاده (٣١٣)

آيه پنجاهم

سورة زمر (قل هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون) زبر
(الذين يعلمون) (٩٩٧) الامام الامين علي بن ابي طالب والسبطين الحسن والحسين
واولاده (٩٩٧) يثقات او (٤٥٤) العالي علي بن ابي طالب وآله واولاده (٤٥٤)
مجموع زبر و يثقات (١٤٥١) الامام الموحدين وسيد الوصيتين المعطى علي بن
ابي طالب والسبطين الحسن والحسين واولاده (١٤٥١) (ايضا) علي والحسين
وعلي ومحمد وصادق وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن وهادي الوالي (١٤٥١)
آيه پنجاه يكم

(والذي جاء بالصدق وصدق به اولئك هم المتقون) زبر (الذي جاء
بالصدق) (٩٧٣) الحميد الزكي الصادق الامين محمد رسول الله (٩٧٣) يثقات او
(٧٢٢) الامين العادل محمد رسول الله (٧٢٢) مجموع زبر و يثقات (١٦٩٥)
الماحي الهادي المبعوث الي الخلايق محمد (١٦٩٥) زبر صدق (١٩٤) زكي والي
علي (١٩٤) يثقات او (١١٧) مجموع زبر و يثقات (٣١١) امام الحليم علي (٣١١)
آيه پنجاه دويم

سورة شعوري (قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى) زبر
الا المودة في القربى (٥٥١) امام ولي علي بن ابي طالب وبالي الائمة (٥٥١)
يثقات (الا المودة في القربى) (٧٣٧) الامام العالم بالحق علي بن ابي طالب وآله
واولاده (٧٣٧) مجموع زبر و يثقات (١٢٨٨) زكي الصادق بالحق
علي بن ابي طالب وفاطمة والحسن والحسين واولاد الحسين (١٢٨٨)

آیه پنجاه سیم

سورة ق (وجئت كل نفس معها سائق وشهيد) زبر (سابق) (١٧١)
 هادي حامی محمد (١٧١) بينات او (٢٥٢) اللطيف محمد (٢٥٢)
 مجموع زبر و بينات (٤٢٣) داعي المطلوب محمد نبی الله (٤٢٣) زبر (شهيد)
 (٣١٩) الوكيل على ولي الله (٣١٩) بينات (شهيد) (٩٣) هو ولي اله
 (٩٣) مجموع زبر و بينات (٤١٢) وصی نبی ومولانا على (٤١٢)
 آیه پنجاه چهارم

(القيا في جهنم كل كفار عنيد) زبر [القيا] (١٣٢) نبی واهب وولى وهاب
 (١٣٢) بينات (القيا) (٣٤٣) الحبيب محمد وولى اله على [٣٤٣] مجموع
 زبر و بينات [٤٨٥] الصادق محمد والهادى على (٤٨٥)
 آیه پنجاه و پنجم

(ان في ذلك لذكرى لمن كان له قلب او قى السمع وهو شهيد) زبر (ذلك)
 (٧٥٠) عمل اكرم الاولياء الحبيب على بن ابى طالب (٧٥٠) بينات (ذلك) (١٥٣)
 مجموع زبر و بينات (٩٠٣) عمل اكرم الاوصياء بالحق على ولي الله (٩٠٣)
 آیه پنجاه و ششم

سورة ذاريات (كانوا قليلا من الليل ما يهجعون وبالاسجار هم يستغفرون)
 زبر (هم يستغفرون) (١٨٥١) وصی حبيب رسول الله القاهر على ولي الله
 وفاطمة والسبطين الامامين الحسن والحسين (١٨٥١) بينات او (٢٣٨) مولانا على وآله
 (٢٣٨) مجموع زبر و بينات (٢٠٨٩) وصی و حبيب رسول الله على بن ابى
 طالب و بنت نبی الله فاطمة والسبطين الامامين الحسن والحسين (٢٠٨٩)
 آیه پنجاه و هفتم

سورة النجم (والنجم اذا هوى) زبر (النجم) (١٢٤) وجه على (١٢٤) (ايضا)

آل محمد [١٢٤] بينات والنجم (٣١٤) على بن ابى طالب وآله واولاده (٣١٤)
 آیه پنجاه و هشتم

(فباي آلاء ربك تتماري) زبر (آلاء) (٣٣) بينات او (٣٧١)
 مجموع (٤٠٤) الهادي العادل على بن ابى طالب (٤٠٤)
 آیه پنجاه و نهم

سورة الرحمن (مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان فباي آلاء
 ربكما تكذبان يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان) زبر (البحرين) (٣٠١)
 حبيب واهب واجد على وفاطمة (٣٠١) بينات (البحرين) (٢١١) على امين
 (٢١١) مجموع زبر و بينات (٥١٢) زكى المولى على بن ابى طالب وفاطمة
 (٥١٢) زبر (برزخ) (٨٠٩) بينات او (٤) مجموع زبر و بينات (٨١٣)
 راحم المساكين محمد المصطفى (٨١٣) زبر (اللؤلؤ والمرجان) (٤٣٤)
 بينات او (٦٧٢) مجموع زبر و بينات (١١٠٦) الامامين الهامين الكاملين
 ابى محمد الحسن و ابى عبد الله الحسين (١١٠٦)
 آیه شصت م

سورة واقعه (والسابقون السابقون اولئك المقربون) زبر [السابقون السابقون]
 (٥٠٠) بينات او (٩٣٢) مجموع زبر و بينات (١٤٣٢) هابيل و خرييل
 و حبيب النجار و على بن ابى طالب (١٤٣٢)
 آیه شصت يك م

(واصحاب اليمين ما اصحاب اليمين) زبر يمين (١١٠) على (١١٠)
 بينات (يمين) (١٠٨) وآل يس (١٠٨)
 آیه شصت دويم

سورة الحديد (والذين آمنوا بالله ورسوله اولئك هم الصديقون) زبر

(الصديق) (٢٣٥) سيدنا علي (٢٣٥) بينات او (٢٦٩) امام الولي علي (٢٦٩)
مجموع زبر وبينات (٥٠٤) السيد الزكي الجميل علي بن ابي طالب (٥٠٤)
آيه شصت ستم

سورة حشر (ويؤثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه
فالولك هم المفلحون) زبر (المفلحون) (٢٣٥) الحميد علي وآله
(٢٣٥) بينات او (٣٠٧) هادي وحيدر علي بن ابي طالب وآله (٣٠٧)
مجموع زبر وبينات (٥٥٢) الامام المطلع علي بن ابي طالب وآله (٥٥٢)
آيه شصت چهارم

سورة صف (ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص)
زبر [الذين يقاتلون] [١٣٨٨] بينات او [٥٣٦] مجموع زبر وبينات
(١٩٢٤) الصادق علي بن ابي طالب وحزبه وعبيدة بن حارث ومقداد اسود
وسهل حنيف وابي دجانه (١٩٢٤)

آيه شصت پنجم

سورة تحریم (وان تظاهروا عليه فان الله هو موليّه وجبريل
وصالح المؤمنين واللائكة بعد ذلك ظهير) زبر (صالح المؤمنين)
(٣٥٦) الامام المبين علي (٣٥٦) بينات او (٥٣٨) داعي الصادق علي بن ابي طالب
(٥٢٨) مجموع زبر وبينات [٨٨٤] الامام المبين ناصر الاولياء علي بن ابي طالب [٨٨٤]
آيه شصت ششم

سورة جن (ومن يعرض عن ذكر ربه يسلكه عذابا صعيدا) زبر (ذكر)
(٩٢٠) ولايت سيد واول الاوصياء علي بن ابي طالب (٩٢٠) (ايضا) ولايت اول الاوصيا
وسيد وكافي الامور علي بن ابي طالب (٩٢٠) بينات (ذكر) (١١٣) مجموع زبر
وبينات (١٠٣٣) ولايت سيد الاوصياء وحاكم الاوليا علي بن ابي طالب (١٠٣٣)

آيه شصت هفتم

سورة مزمل (ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل ونصفه وثلاثة
وطائفة من الذين معك) زبر (طائفة) (١٥٠) بينات او (١١٤)
مجموع زبر وبينات (٢١٩) هادي والي علي وآله (٢١٩)
آيه شصت هشتم

سورة دهر (هل اتى على الانسان حين من الدهر) زبر (الانسان) (١٩٣)
علي جميل (١٩٣) بينات او [٥٤٣] الصادق الحاكم علي بن ابي طالب (٥٤٣)
مجموع زبر وبينات (٧٣٦) وصي رسول الله الهادي علي بن ابي طالب (٧٣٦)
آيه شصت نهم

(ان الابرار يشربون من كأس) زبر (الابرار) (٤٣٥) الوالي علي وفاطمة
وابناهما (٤٣٥) بينات او (٣٧٤) ولي اله الواهب وفاطمة وابناهما (٣٧٤)
مجموع زبر وبينات (٨٠٩) مولانا علي ولي الله واهل بيته (٨٠٩)
آيه هفتادم

سورة عم (عم يتساءلون عن النباء العظيم الذي هم فيه مختلفون)
زبر (النباء العظيم) (١١٣٥) هو ولايت امام الطاهر الامين علي بن ابي طالب (١١٣٥)
(ايضا) ولايت امام المواق الامين علي بن ابي طالب (١١٣٥) (ايضا) هو خلافة
ولي الله وولي حبيبه علي بن ابي طالب (١١٣٥) بينات (النباء العظيم)
(٥٨١) ولايت ولي حليم (٥٨١) (ايضا) ولايت ولي المجيد (٥٨١)
مجموع زبر وبينات (١٧١٦) خلافة امام قاهر علي بن ابي طالب (١٧١٦)
آيه هفتاديكم

سورة مطففين (ان الذين اجروا كانوا من الذين آمنوا يضحكون) زبر
(من الذين آمنوا) (٩٧٩) امام جامع علي بن ابي طالب وآله واتباعهم (٩٧٩)

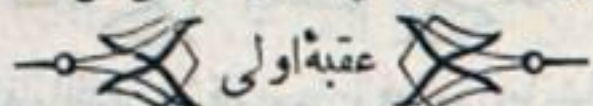
یتنات او (٦٧٨) وصی العالم الحق علی بن ابی طالب و آله (٦٧٨) مجموع زبر و یتنات (١٦٥٧) الحاکم الحبيب علی بن ابی طالب و آله و اولاده و خواصه و تابعه (١٦٥٧)
 ﴿ آیه هفتاد و دوم ﴾

سورة یتنه (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه)
 زبر (خیر البریه) (١٠٥٨) سیدنا الوکیل علی بن ابی طالب و آله و اولاده
 و تابعهم (١٠٥٨) یتنات (خیر البریه) (١٥٨) علی ماجد (١٥٨) مجموع زبر
 و یتنات (١٢١٦) الولی الوالی علی بن ابی طالب و اولاده و شیعتہ (١٢١٦)
 ﴿ آیه هفتاد و سیم ﴾

سورة جحد (لکم دینکم ولی دین) زبر (ولی دین) (١١٠) علی (١١٠)
 یتنات (ولی دین) (١٣٧) حبیبه علی (١٣٧) (و ما لا تعلمه اکثر) فخذها
 و اغتنمها لانا تسر العالم المؤمن التقی و تقهر الجاهل المنافق الشقی و قد
 قال الله تعالی (و تلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون)
 ﴿ خاتمه ﴾

در تطابق اعداء الله با کلمات ردیه بترتیب معمود و بدان رقیه حضرت علیم بصیر
 خبیر و عالم بما فی الضمیر میداند که مقصود از این تطابق قدح هیچ مسلمی را عرض
 ندارم بلکه شیوه ملفق آنست که ذم و هجوم هیچ کافر بر اهرم رواند انم مگر ناکسانیکه
 بدلائل واضحه و براهین متضحه حقوق اهل بیت رسالت را غصب کرده اند و بر آل
 عصمت جور و ستم نموده اند (اللهم العن اقل ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و اخر
 تابع له) چون یزید یلید و همکاران او چنانچه در تجویر لعن بر او گفته اند
 (واللعن علی یزید فی الشرع یجوز و الا عن یحوی حسنات و یجوز
 قد صبح لندی انه معتل و اللعن مضاعفا و ذاک مهموز
 (یحوز) ای یفوز (معتل) ای معتل العین (مهموز) ای معیوب اگر چه از خود

نیز لمگویم تفاسیر مسطورہ بطرز مذکورہ متعرضند علاوه هر يك از
 متعرضین مغرضین را رب و شکی باشد در اظهار حق کمال حضور را دارم
 (میگویم و می آیمش از عهده برون) بالکده در این دوره هیچ بار و معین ندارم
 هوالمعین لعن لامعین له و ناصر من لا ناصر له و طی این خاتمه در سه عقبه است



در آیات قرآنی و تویخات فرقه ایست و آن محتوی بر (١٣) آیه است
 ﴿ آیه اولی ﴾

در سورة ام الكتاب (غیر المغضوب علیهم ولا الضالین) زبر (المغضوب)
 (١٨٧٩) یتنات المغضوب (٢٧٤) مجموع زبر و یتنات (٢١٥٣) فلان لعین
 و فلان بن فلان و فلان و محبتهم (٢١٥٣) زبر (الضالین) (٩٢٢) یتنات [الضالین]
 (٣٦٤) مجموع زبر و یتنات (١٢٨٦) فلان دد و فلان دنی و فلان (١٢٨٦)
 ﴿ آیه دوم ﴾

سورة بقره (قال لا ینال عهدی الضالمین) زبر (الضالمین) (١٠٦٢) یتنات
 الضالمین [٤١٠] مجموع زبر و یتنات (١٤٧٢) فلان و فلان و فلان ابن فلان (١٤٧٢)
 ﴿ آیه سیم ﴾

(یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر) زبر [عسر] [٣٣٠] بتصغیر و تعجیم [٣٣٠]
 ﴿ آیه چهارم ﴾

(یسئلونک عن الخمر و الیسر قل فیہما اثم کبیر) زبر (یسر) (٣١٠)
 احراق (٣١٠) فلان (٣١٠)

﴿ آیه پنجم ﴾

(ان الله ینهی عن الخمر و الیسر) زبر (یسر) (٣١٠) نفس قبیح (٣١٠)
 فلان (٣١٠) یتنات (فلان) (١١١) اقبیح (١١١) سک یدحیا (١١١)

آية ششم

(ان الله ينهى عن الفحشاء والمنكر) زبر (منكر) (٣١٠) كيفر (٣١٠)
حب كفر (٣١٠) بئر جهنم (٣١٠) باب قهر (٣١٠) جب قهر (٣١٠) فلان (٣١٠)

آية هفتم

سورة آل عمران (فاما الذين فى قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة
وابتغاء تأويله) زبر [فى قلوبهم زيغ] (١٢٩٠) يثقات او (٢٣٥) مجموع زبر
ويثقات (١٥٣٥) فلان اللعين وفلان نادان بتصغير وتعجيب وفلان (١٥٣٥)

آية هشتم

سورة مائده (يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم تفعل فما
بلغت رسالتك والله يعصمك من الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين)
زبر (القوم الكافرين) (٥٦٩) يثقات او (٦٩٠) مجموع زبر ويثقات
(١٢٥٩) هم فلان وفلان وفلان (١٢٥٩)

آية نهم

سورة يونس (افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدى الا ان يهدى
فما لكم كيف تحكمون) زبر (امن لا يهدى) (١٥١) يثقات او (٤٠١)
مجموع زبر ويثقات (٥٥٢) ابن عفان جاهل مطرود (٥٥٢)

آية دهم

سورة الم سجد (افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستون) زبر
(من كان فاسقا) (٤٠٣) يثقات او (٧١٥) مجموع زبر ويثقات (١١١٨)
ددالرجس النجس الكافر المطرود وليد (١١١٨)

آية يازدهم

سورة زمر (قل هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون)

زبر (والذين لا يعلمون) (١٠٣٤) يثقات او (٦١٢) مجموع زبر ويثقات
(١٦٤٦) سر بدان فلان وفلان وفلان لثك (١٦٤٦)

آية دوازدهم

سورة مطففين (ان الذين اجرموا كانوا من الذين آمنوا يضحكون)
زبر (الذين اجرموا) (١٠٤٢) يثقات او (٥٦٧) مجموع زبر ويثقات (١٦٠٩)
بني امية عليهم وعلى اله واتباعهم لعنة الله ولعن اللاعنين (١٦٠٩) (ايضا)
بنو امية عليهم وعلى اله واتباعهم لعنة الله ابدا (١٦٠٩)

آية سيزدهم

سورة نمل (من جاء بالسيئة فكبت وجوههم النار) زبر [السيئة] (١٠٧) يثقات او
(٣٢٣) مجموع زبر ويثقات (٤٣٠) عداوة حبيب حبيب اله على ولى الله واله (٤٣٠)

آية ختم الخاتمه

(انا من المجرمين منتقمون)

زبر اين آيه (١٢٠٢) غير (١٢٠٢) فلان وفلان وفلان (١٢٠٢)
عقبه ثابته

فلان وفلان وفلان در حاله رفع (١٢٠٢) صفات الممتنع (١٢٠٢) اضرار (١٢٠٢)
صاحب الطفيان (١٢٠٢) غساق طلب (١٢٠٢) حامل اثم الممكنا (١٢٠٢)
مرض انسان (١٢٠٢) فلان وفلان وفلان در حاله نصب (١١٩٧) اهل غساق (١١٩٧)
فلان وفلان وفلان در حاله جر (١٢٠٦) عادم النور عادم النور (١٢٠٦)
(عادم النور سه نوبت چه بهم جمع كنى هر سه را جمع اسامى كند اين جمع بيان)
(ايضا) در حاله جرى بى الف آخر فلان وفلان وفلان (١٢٠٥) باب ضرر (١٢٠٥)

عقبه ثابته

فلان حاله رفع (٢٣١) كراهة (٢٣١) حب عصيان (٢٣١) طالب مفسده (٢٣١)

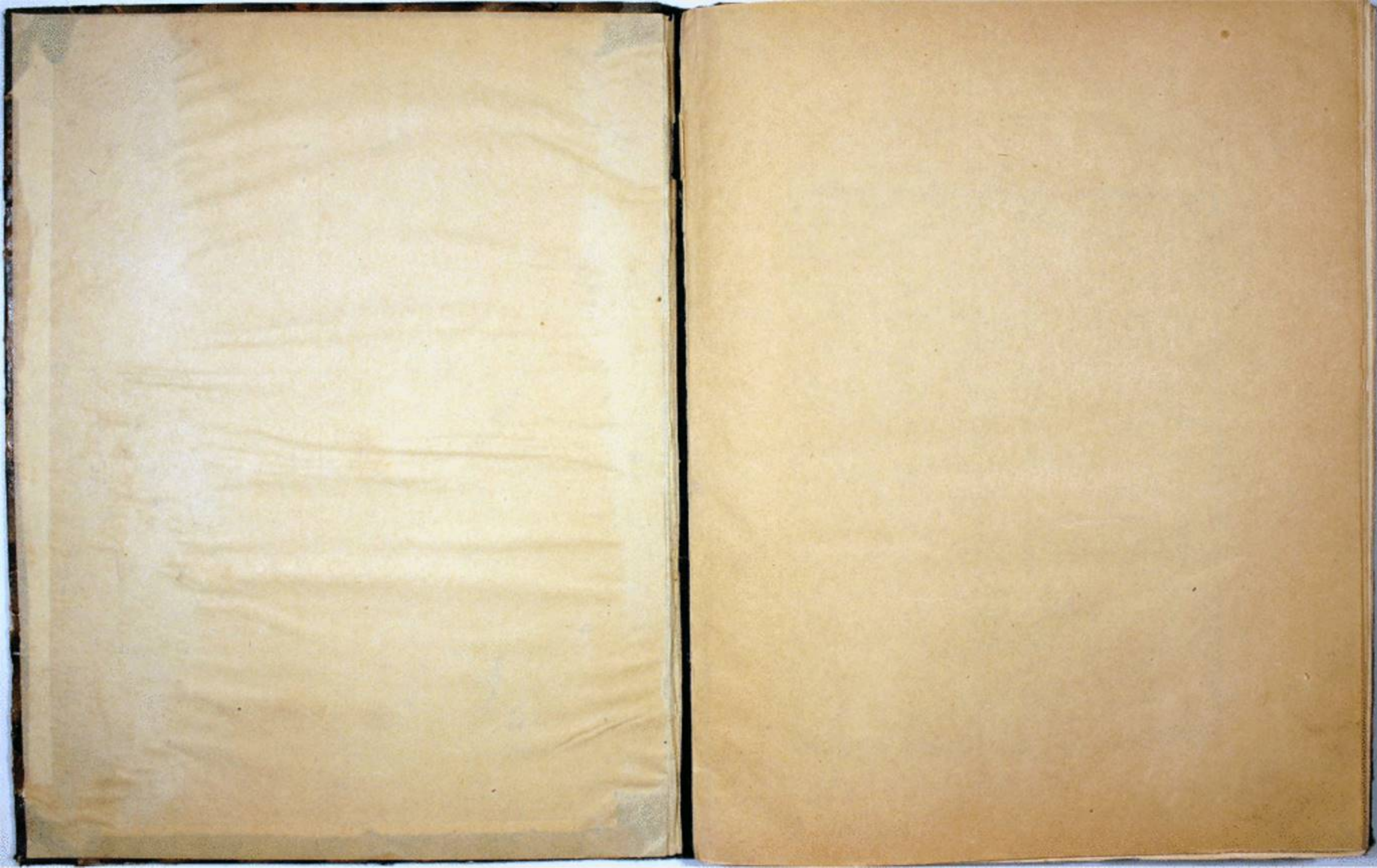
معاداة علی (٢٣١) در دبی دوا (٢٣١) اوج عصیان (٢٣١) غافق (٢٣١) قابل جهنم
 (٢٣١) قابل جهنم (٢٣١) فلان حاله نصب (٢٢٦) حب المفاسد (٢٢٦) اوج المفاسد
 (٢٢٦) کل الفاسد (٢٢٦) اول مفسده (٢٢٦) کور (٢٢٦) یقنات او (٣٠٤)
 ملعون جهنمی (٣٠٤) وجه فلان حاله جری (٢٤٩) حرام (٢٤٩) فلان (٣١٠)
 (اصل مفسده) (٣١٠) (نهاية الادبار) (٣١٠) علة نفسیه (٣١٠) (فلان ابن فلان)
 (٩٢٥) خلد فی نار (٩٢٥) (حب فلان) (٣٢٠) ادبار امکان (٣٢٠) علة معصیه (٣٢٠)
 (حب فلان) (٣٦٠) سقر (٣٦٠) (محیی فلان) (٣٧٠) سقری (٣٧٠) (اهل ولاء
 فلان) (٣٨٤) اصحاب النار (٣٨٤) (فلان) (٦٦١) خاین (٦٦١) جلوة دوزخ
 (٦٦١) شجرة زقوم (٦٦١) (حب فلان فلان فلان) (١٢١٥) طعام غصه
 (١٢١٥) (ومالم نذكر ما زید) وقد فرغت من تسویدها وتحریرها
 والاحقر الجانی الفانی یوسف بن محمد بن یوسف النجفی الجیلانی
 مع وفور العلائق وکرور الموائق فالعالم مولد ممن انصف
 بالانصاف طبیعته وعدل عن الاعتصاف سجیته ان یعذرني
 فی ذلك ویعفو عني ویستر علی ما صنع وظهر وسطع
 وبهر له من سهو او قص او طغیان او قصور او فتور
 او قصان فی لفظ او معنی او بیان وهو العاصم
 عن الخطاء فی العنوان فی خامس عشر
 من شهر الله الاعظم من سنة
 الف و ثمانمائة و خمسة
 و عشرين سنة
 (١٣٢٥)
 نسختها فی
 جیلان
 ١٣٣٠
 ٥

رشت مطبعه عروة الوثقی بطبع رسید

غلط نامه

غلط صحیح

صفحه	سطر	کلمه	کلمه	مؤلفات و مصنفات مصنف دام ظلّه
٢	٧	برتو	برتو	(فارسی)
٢	٩	بزیر	بزیر	
٢	١٧	باید	باید	مختصر المعجل در حساب جمل
٢	١٨	بشا	بشا	اصول عقاید دینیّه
٣	١٠	طرق	طریق	اصول عقاید با تقویم شرعی
٣	٥	للقران	(القران)	لایحه اسلامیّه بر بایته و بایته
٣	٧	لخاص	للخواص	مبتن المنهج در حرمة شطرنج
٥	٣	کمر	کفر	هدایة المجتاز در معنی و الفاظ
٥	٦	مجل	مجال	تذکره السالکین در سیر و سلوک عارفین
٥	١٢	لبین	لتبیین	کشف المسطور در رموز ظهور
٥	١١	رجلا	رجالا	بحر السرائر در خنوم و طلاس
٥	١٣	مطلب	مطالب	دیوان در اشعار
٦	١٥	بنیات	یقنات	رحلة ایران در سیر بلدان
٦	١٧	النیات	الیقنات	(عربی)
٨	١	تطابو	تطابق	حل العقود فی علم العقود
٨	١١	عق	عاق	تذکره المؤمنین فی فضایل العالمین
١٢	٩	جمعیها	جمیعها	قواعد الاعجاز فی التعمیه و الالفاظ
١٣	١٨	عوص	عواص	ربیع الابرار فیما یضحک الاخیار
١٣	١٨	معرفة	معرفه	رساله فقریه رساله هندیه
١٣	٢٢	متباینه	ومتباینه	رساله فی الصرف رساله فی النحو
١٥	١٥	بهشتی	بهستی	حاشیه علی الحاشیه فی المنطق
١٥	٢٠	فارش	فارش	طریق الوصول الی علم الاصول
١٥	٢٨	الحاملات	الحالات	کتاب الطهارة فی الفقه
١٥	٢٦	یه	به	کتاب الارث فی الفقه
١٥	١٨	نزل	نزول	حرمة قتل المؤمن فی الفقه
١٥	١٨	واین	واین	کشف کول ٣ مجلد
١٥	٥	والحسن	والحسن	
١٥	١٢	انفعال	انقال	



کتابخانه آیت الله بروجردی (ره)



5 5 3 0 8 0 3 3 1

کتابخانه آیت الله بروجردی (ره)



5 5 3 0 8 0 3 3 1